

## مورخان و مخاطبان: (۲) ضرورت بازنگری در آموزش و انتقال مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردهای تاریخ

دکتر حسینعلی نوذری

بخش نخست این مقاله در شماره قبلی (۳۴) فصلنامه تاریخ معاصر ایران چاپ و منتشر شد. آن بخش شامل یک مقدمه درباره علل و ضرورت طرح بحث موجود در مقاله، یعنی «آموزش و انتقال مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردهای تاریخی»، و دو بخش اصلی به ترتیب زیر بود:

ابتدا بررسی «پارامترهای اصلی در نگرشها و رویکردهای جدید به آموزش و انتقال مفاهیم تاریخی» که طی آن به شش مؤلفه یا پارامتر به شرح زیر پرداخته شد: الف) تجربیات واقعی به مثابه منابع اصلی مطالعه تاریخ؛ ب) تقدم خط فکری بر خط معلوماتی؛ ج) تلفیق از تاریخ به منزله یک تجربه عملی؛ د) نفی داعیه وجود قطعیات در تاریخ؛ ه) ضرورت تأکید بر شک و تردید در مطالعات و تحقیقات تاریخی؛ و) طرح پرسش. در بخش دوم به بررسی کلیات، یعنی اصول و مبانی، پرداخته‌ایم در این بخش مضامین و عناوین زیر مورد کنکاش و تفحص قرار گرفته‌اند: الف) معناشناسی و ریشه‌شناسی واژه تاریخ، ب) کاربردهای عملی و نظری معانی و مفاهیم تاریخ. ذیل عنوان اخیر نیز به عناوین فرعی چندتی توجه شده است از جمله: داستان در تاریخ، زمان در تاریخ، دیدگاههای مدرن در باب زمان، مکان و مکانمندی در تاریخ.

اینک بخش دوم مقاله از نظر خوانندگان ارجمنند می‌گذرد. در بخش حاضر عناوین و مضامین چندتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته. ابتدا «ضرورت آموزش و انتقال مفاهیم و مضامین تاریخی به مخاطبان» را، با تأکید بر یک مؤلفه اصلی و اساسی، مورد امعان نظر قرار داده‌ایم: رسالت و کار ویژه استادان، دبیران و محققان حوزه تاریخ. سپس به سازوکارهای آموزش و انتقال مفاهیم مذکور اشاره شده است. در این مورد پارامترهای چندتی مورد توجه قرار گرفته‌اند از جمله: تلفیق از ثبت تاریخ به معنای ثبت گذشته، تلفیق از تاریخ به منزله ثبت مکتوب مستمر

گذشته، جایگاه و نقش روایت و تفسیر در تاریخ، و بالاخره نقش و کار ویژه تعیین کننده شواهد در ثبت و ضبط تاریخ و رویدادها یا فاکت‌های تاریخی. در بخش بعدی به تأکید بر «سنگ بنای اولیه تاریخ»، یعنی داستان و داستان‌سرایي توجه شده است. تجزیه و تحلیل و بررسی بسترهای بومی آموزش تاریخ، یا به عبارت بهتر تلاش برای تدوین و تبیین رئوس زیربنایی و کلی تاریخ محلی و تاریخ فرهنگی، عنوان بخش بعدی است که در مقاله این شماره مورد توجه قرار گرفته است. در قرن بیستم تاریخ از صورت یک گرایش یا تفنن و سرگرمی خارج شده و به یک صورت‌بندی، فرمایشیون و رخساره زمانی - مکانی تبدیل شده است که در آن به بسترهای فرعی چندی برمی‌خوریم. این مسئله عنوان بحث دیگری است که در شماره حاضر فصلنامه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بسترهای فرعی مورد اشاره نیز عبارت‌اند از گاهشماری به مثابه بستر آغازین برای آموزش تاریخ، احساس همدلی یا حضور در زمان تاریخی، مفهوم مکان در تاریخ و مکانمند بودن وقایع تاریخی. بحث بعدی گفتار این شماره به بیان ضرورت بازنمایی وقایع گذشته و حضور در گشتاور حال اختصاص یافته است. در این بخش مفهوم «تاریخ زنده» به منزله بستری برای بازسازی و عرضه مجدد گذشته در حال و تأکید بر اهمیت و جایگاه موزه‌ها و اماکن تاریخی برای آشنایی مخاطبان جوان با تاریخهای گذشته مورد بررسی قرار گرفت. نقش و جایگاه والدین در راستای آموزش تاریخ، به ویژه در منزل، موضوع بعدی است که همراه با موضوع بخش دیگر، یعنی والدین و آموزش تاریخ در مراکز آموزشی (مدارس، دبیرستانها و کالجها) تکمیل شده است. طرح تزی جدید مبنی بر تلقی از تاریخ به منزله نوعی عادت موضوع دیگری است که در پیوند با چند مؤلفه مطرح شده است: تشویق به امر رویکرد به تاریخ به منزله یک عادت در میان والدین، اشاعه عادت مشارکت در بین فرزندان، رواج عادت مطالعه و کسب آگاهی تاریخی، عادت بحث و گفت‌وگو و موارد دیگر. پایان بخش مقاله حاضر توجه به ملاحظات روان شناختی - تربیتی در فرایند آموزش انتقال مفاهیم و مطالب تاریخی است.

در مجموع، گفتار حاضر که طی دو شماره ۳۲ و ۳۵ ارائه گردید گامی است در راستای ضرورت تجدیدنظر یا بازاندیشی در منظومه پداگوژیک یا تعلیمی - تربیتی حاکم بر علم تاریخ، رشته تاریخ، گفتمان تاریخ، آموزش تاریخ و تاریخنگاری در مراکز علمی - آموزشی جامعه ما. منظومه‌ای که اسیر چارچوبهای کهنه، متحجر، سنتی و بازدارنده است. کمترین رغبت و تمایلی به همین خاطر در میان مخاطبان خود برنمی‌انگیزد. از این روست که روزبه روز شاهد بیعلاقه شدن و دلسرد شدن شمار چشمگیری از نسل جوان، به ویژه در میان ائشار دانشگاهی، از پرداختن به علم تاریخ و شتاب فراوان در دوری جستن از این رشته مادر هستیم.

شاید با عنایت به راهکارها، راهبردها، شیوه‌ها و مؤلفه‌های ارائه شده در گفتار حاضر - که اساساً جنبه توصیفی و پیشنهادی دارد و به عنوان یک پروژه آزمایشی باید به آن نگرست نه یک چارچوب تجویزی و قطعی - و تلاش برای بسط و گسترش گفتمان مذکور به لحاظ کیفی و محتوایی بتوان امیدوار بود که تحولی، هرچند با آهنگ بسیار کند در این خصوص به وجود آید. این امر، پیش از هرچیز، مستلزم رویکرد انتقادی با چارچوبهای جا افتاده و نهادینه شده‌ای است که مانع هرگونه نوآوری و نواندیشی در عرصه آموزش و انتقال مفاهیم تاریخی به شمار می‌روند. انتظار ما آن است که صاحب‌نظران و علاقه‌مندان این حوزه، با طرح نظرات و دیدگاههای انتقادی و بدیل خود، «پروژه ناتمام» مذکور در گفتمان نظری تاریخ، یا به تعبیر بهتر «صورتبندی تاریخ»، را پربارتر و فربه‌تر سازند تا شاید در مسیر تکمیل و تکامل سوق یابد.

### ۳. ضرورت آموزش و انتقال مفاهیم و مضامین تاریخی به مخاطبان

#### - رسالت استادان، دبیران و کارورزان تاریخ

رسالت استادان و دبیران تاریخ در مقام سوژه‌هایی که به طور مستقیم با امر آموزش مفاهیم و مضامین تاریخی و انتقال آنها به نوجوانان و جوانان سروکار دارند، در جای خود، رسالت بسیار خطیر و مهمی است که به زعم بسیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران حوزه تاریخ هم‌تراز با رسالت مورخان است. در قرن بیست و یکم - که ویژگی شاخص آن سرریز اطلاعات و وفور منابع و مراجع و مآخذ گفتاری، نوشتاری، دیداری (بصری)، شنیداری (سمعی)، الکترونیکی (در اشکال مختلف و متنوع آن از انواع کاست، نوار، فیلم، ویدئو و لوحهای فشرده گرفته تا رادیو، تلویزیون، اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای و نظایر آن) است - نمی‌توانیم خود و مخاطبان خود، به ویژه نسل جوان، را با اطلاعات ناچیز و اندک و بعضاً گمراه کننده یا غیر روزآمد (out-of-date) قانع و سرگرم سازیم. وانگهی، امر انتقال مفاهیم، مضامین و معانی پدیده‌ها و فاکت‌های تاریخی (facts) به مخاطبان (در اینجا به طور اخص نوجوانان و جوانان در سنین مختلف به ویژه دانش‌آموزان مدارس و دبیرستانها و دانشجویان دانشگاهها) امری است بسیار فنی، تخصصی، علمی و پیچیده که مستلزم آشنایی دقیق و همه‌جانبه کارورزان (practitioners) تاریخ؛ یعنی استادان، دبیران، محققان و پژوهشگران تاریخ و در یک کلام مورخان با فرازونشیبها، تغییر و تحولات و سازوکارهای روش‌شناختی

(مستدلولوژیک)، سبکی (stylistic)، زمانی - مکانی (tempo-spatial) در حوزه تاریخنگاری، آموزش تاریخ، مکاتب و نحله‌های روش‌شناسی تاریخی، فلسفه تاریخ و دیگر رشته‌های زیرمجموعه تاریخ است.

از سوی دیگر، انتقال صحیح و علمی مفاهیم تاریخی به مخاطبان مورد نظر منوط به رعایت جوانب و در نظر گرفتن ملاحظات بسیاری است. از جمله مهم‌ترین این جوانب و ملاحظات، توجه به مسئله صدق (truth) و کذب (false) گزاره‌ها و اظهارات و قضایایی است که به عنوان گزاره‌ها و قضایای تاریخی به مخاطبان (نوجوانان و جوانان) انتقال می‌دهیم. در اینجا منظور از صدق و کذب قضایا و گزاره‌ها نه کاربرد و معنای آن در فلسفه و منطق بلکه رعایت درستی و امانتداری و بیان حقایق، رخدادها، واقعیات و فاکت‌های تاریخی است بدون هرگونه تحریف، بدون اعمال سلیقه‌های فلسفی، روش‌شناختی، سیاسی، ایدئولوژیک، قومی، زبانی، نژادی، گروهی و عاری از هرگونه تحریفات و کژیها و ناراستیها و دروغهای مصلحتی، حرفه‌ای، شخصی، جناحی، حزبی و نظایر آن. این نوع برخورد سبب اعتماد مخاطبان (دانش‌آموزان و دانشجویان) به انتقال دهندگان مفاهیم و مضامین تاریخی، یعنی دبیران و استادان تاریخ، می‌شود که در جای خود هم به عنوان مورخان گفتاری و شفاهی به حساب می‌آیند (زیرا با انتقال شفاهی مفاهیم از طریق تدریس، سخنرانی، کلاس درس و ... سروکار دارند) و هم می‌توانند مورخان نوشتاری باشند (زیرا همان مفاهیم و مضامین، درسها و سخنرانیها و... را می‌توانند در قالب مقالات، کتب و تألیفات به مخاطبان خود انتقال دهند).

این مهم مبتنی بر راهکارها و شیوه‌های چندی است که در اینجا به طور اجمال به آنها اشاره می‌کنیم. لازم است یادآوری کنیم که مطالب مطرح شده در گفتار حاضر طرحی است کلی و اجمالی، بیان‌کننده تحقیقات و تتبعات گسترده‌ای که افرادی بشمار طی سالهای متمادی در منابع مختلف در حوزه تاریخنگاری، روشهای آموزش تاریخ، سبکها و نحله‌ها و شیوه‌های انتقال مفاهیم و معانی و کاریستهای تاریخی، روان‌شناسی آموزش تاریخ و بالاخره در حوزه مهم و ژرف فلسفه تاریخ به عمل آورده‌اند.

نخستین راهکار در انتقال صحیح و دقیق مفاهیم و مضامین تاریخی به مخاطبان جوان عبارت است از گوش دادن به آنان، شنیدن حرفها و نظرات آنان و ایجاد رابطه همدلانه (sympathetic) و همفکرانه (intellectual) با آنان. در این راستا نکته روان‌شناسانه مهمی وجود دارد که نباید از آن غافل ماند و آن اعتماد کردن به جوانان و نوجوانان و افزایش

اعتماد به نفس در آنان و اهمیت و ارزش قائل شدن برای نظرات و دیدگاهها و حرفهای آنان است ولو در ابتدای کار از نظر ما سطحی و ابتدایی بنماید. در این مرحله، سطح کیفی و محتوایی حرفها و مطالب آنان چندان مهم نیست؛ بلکه مهم آن است که به آنان اجازه دهیم تا راحت و آزاد و فارغ از هرگونه فشار و دغدغه و اضطراب حرفهای خود را بزنند، انتقادهای خود را مطرح سازند؛ حتی با شدت و حرارت و جوش و خروش اظهارنظر نمایند؛ به نفی و رد و ابطال و تکذیب پردازند. در این مرحله به هیچ وجه نباید از آنان انتظار داشته باشیم که به تأیید و اثبات و موافقت با نظرات ما پردازند؛ و یا به مطالبی که در کتابهای درسی، در مقالات، منابع و مآخذ رسمی می شنوند و می خوانند و می بینند اعتماد نمایند و آنها را تأیید کنند؛ یا به گفته‌ها و مطالب منتشر شده در روزنامه‌ها، مجلات، نشریات، رادیو و تلویزیون و ... اعتماد نمایند. هیچ ضرورتی به القائات و انتقال جبری و مکانیکی و تحمیلی مفاهیم به آنان وجود ندارد. نباید آنها را در وضعیت یا این / یا آن (either/or) قرار دهیم؛ بلکه باید حق انتخاب و امکانها و گزینه‌های متعدد و متنوعی را پیش روی آنان قرار دهیم. این امر سبب جلب اعتماد مخاطبان جوان به روش یا متد ما می‌گردد. در اینجا لازم نیست که به طور دقیق و مشروح به جزئیات فواید و دستاوردهای مثبت این شیوه، که در اکثر جوامع پیشرفته اعمال می‌شود، بپردازیم. کافی است بدانیم که این امر سبب می‌شود مخاطبان جوان ما، یعنی مورخان بالقوه فردا، با احساس توانمندی و خلاقیت فکری و ذهنی و با حس اعتماد به نفس و غرور (نه تعصب، خودخواهی و کبر) آگاهانه و عامدانه به انتخاب صحیح روشها و ابزارها دست بزنند؛ و، با این انتخاب، گام در راهی بگذارند که تاریخ آینده جامعه و کشور خود را براساس آگاهی و اطلاع از گذشته و حال بنا نمایند.

نکته حساس و مهم دیگر در همین راستا توجه به مسائل و مشکلات مخاطبان جوان در حوزه تاریخ و تفکر تاریخی است. آیا اساساً دانش‌آموزان و دانشجویان علاقه و دغدغه‌ای بابت مسائل و ملاحظات تاریخی از خود نشان می‌دهند یا خیر؟ اگر پاسخ این پرسش منفی است، علل و عوامل این معضل کدام‌اند؟ یا به طور کلی چرا گرایش عام در میان نسل جوان به دوری از مسائل تاریخی و احتراز از ورود به عرصه تفکر تاریخی است. اینها پدیده‌ها و اموری هستند که تبیین و تشریح آنها جهت حل و رفع آنها مستلزم روشن بینی، تأمل و تفکر علمی و عمیق و شناخت دقیق بسترها و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، بسترها و زمینه‌هایی که مقوم و سازنده اجزا و

عناصر تشکیل دهنده ساختارها و سازه‌های تفکر تاریخی به شمار می‌روند. در این زمینه، به منظور همراهی با نوجوانان و جوانان، گامهای مهمی می‌توان برداشت مانند: تشکیل گروه‌های همخوانی جهت مطالعه مشترک؛ تشکیل هفته کار تاریخ؛ تشکیل کارگاه‌های آموزشی تاریخ؛ تشویق و ترغیب نوجوانان به مطالعه و خواندن کتابها و منابع مربوط به حوزه‌های مختلف تاریخ (از رمانها و داستانهای تاریخی گرفته تا وقایع‌نگاریها و تاریخهای روایی، تاریخهای تحلیلی، تاریخ سیاسی - اجتماعی - اقتصادی، تا آثار و منابع مربوط به روش‌شناسی در تاریخ، مکاتب و نحله‌های تاریخنگاری، فلسفه تاریخ و مباحث فنی و پیچیده نظری و تئوریک)؛ تشکیل کلاسها، کلوپها و مراکز تدریس سمعی و بصری تاریخ از طریق نمایش فیلمهای ویدئویی، تلویزیونی و سینمایی جهت معرفی، نقد و تحلیل و بررسی رخدادها و وقایع مهم تاریخی؛ تشویق جوانان به مشارکت فعال در سالنهای قرائت، در گردشهای علمی و دیدار از آثار و بناها و مراکز تاریخی؛ تشویق آنان به ثبت و ضبط دیده‌ها و شنیده‌ها؛ تشویق آنان به تهیه گزارش، نگارش مقاله، خاطره‌نویسی و نظایر آن؛ تشویق آنان به شرکت در جلسات بحث و گفت‌وگو، پرسش و پاسخ و مناظره‌های علمی؛ و فراهم ساختن امکان مناظره‌ها و گفت‌وگوهای ساده ولی عملی رادیو - تلویزیونی با مشارکت آنان. این راهکارها سبب می‌شود جوانان و نوجوانان در خود احساس غرور و اعتماد به نفس کنند و با دیدن دستاوردها و نتایج روشن و مثبت آن بیش از پیش به حوزه مطالعات تاریخی و به تاریخ به عنوان یک رشته و به تفکر روشمند تاریخی به منزله ابزاری علمی جهت تحلیل پدیده‌ها و وقایع علاقه‌مند شوند و در این مسیر گامهای استوار و بلندی بردارند.

در کنار مراحل و اقدامات فوق یک رشته گامهای عملی و نظری دیگر نیز باید به طور همزمان و توأمان برداشت؛ برای مثال، همراهی با آنان در خواندن کتب و منابع یا تماشای فیلمها و دیدن اسناد و مدارک یا بازدید از موزه‌ها و اماکن تاریخی و نظایر آنها. در این مورد، می‌توان از آنان خواست تا هرکدام، به فراخور حال و با توجه به اطلاعات و سوابق دانش خود، از بسترها و زمینه‌های تاریخ خانوادگی، قوم، نژاد، قبیله، طایفه، ایل، عشیره، گروه، جامعه، شهر و بالاخره کشور خود صحبت کند. برای ژرفا بخشیدن به این موضوع می‌توان از والدین یا خویشان و اقوام دور و نزدیک جوانان کمک گرفت و از آنان خواست تا اطلاعات خود از پیشینه‌ها و سوابق زندگی سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی مربوط به هر یک از موارد یادشده (قوم، نژاد... شهر...) را در اختیار

فرزندان خود قرار دهند. بسا مورد که در میان خانواده‌ها به اسناد و مدارک تاریخی بسیار غنی، معتبر و ارزشمندی برمی‌خوریم که گرچه ممکن است در نگاه نخست ظاهراً جنبه خانوادگی و شخصی داشته باشد، لیکن همین اسناد و مدارک در تحلیل عمیق‌تر و علمی‌تر و با توجه به پیوندهایی که با سایر پدیده‌های هم‌عرض خود دارند و با توجه به نقش و جایگاهی که در مناسبات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی یک قوم یا جامعه یا کشور دارند، از اهمیت تاریخی سترگی برخوردار خواهند بود و باید به آنها به منزله اسناد (documents)، مدارک و شواهد (evidence) معتبر و موثق تاریخی نگریست.

مرحله دیگر آشنا ساختن جوانان و نوجوانان علاقه‌مند به تاریخ با حوزه‌های مطالعاتی وسیع‌تر و گسترده‌تر و آشنا ساختن آنان با منابع معتبر و عمده‌ای است که به عنوان مرجع و مأخذ به حساب می‌آیند مانند: دایرةالمعارفها، فرهنگ لغات یا قاموسهای تاریخی، انواع واژه‌نامه‌ها و فرهنگهای تاریخی، فرهنگ رجال تاریخی، منابع تاریخ ادبیات، شعر و هنر که از بسترهای اساسی مطالعات تاریخی به شمار می‌آیند. و مهم‌تر از اینها ارجاع دادن آنان به کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی است که متأسفانه در جامعه ما محلی از اعراب ندارد و جا دارد مسئولان و مقامات تدبیرها و راهکارهایی جدی، فوری و عملی در این زمینه اندیشیده و به فکر چاره‌های عملی باشند. فراموش نکنیم که این مهم و سوق دادن جوانان به سمت کتابخانه و مطالعه و تحقیق قطعاً، همانگونه که تجربه تمام جوامع سالم نشان داده و می‌دهد، عامل بسیار اساسی‌ای در جلوگیری از کشیده شدن جوانان، این سرمایه‌ها و ذخیره‌های حیاتی مملکت، به راههای انحراف و انحطاط است که متأسفانه روزبه‌روز در اشکال مختلف و عدیده و در ظواهری فریبنده و رنگارنگ در جای جای جامعه ایران در حال فزونی و ازدیاد است. علاوه بر آنچه گفته شد، جوانان باید یاد بگیرند و ایمان بیاورند که آینده در دستهای آنان است و آینده و تاریخ را آنان می‌سازند و این امکانپذیر نخواهد بود مگر به وسیله آموزشی که ما به آنان می‌دهیم. دبیران و استادان تاریخ می‌توانند به جوانان بیاموزند که آنان آینده‌سازان و تاریخ‌سازان این جامعه و سرزمین هستند و تاریخ آینده نیز چیزی نیست جز درسها و عبرتهایی که از «گذشته» به منزله چراغی فرا راه آینده گرفته‌ایم و آن را در «حال» به کار بسته و بر فراخنا و گستره و دامنه آن افزوده‌ایم و بدین ترتیب بستر و زمینه‌های اجتماعی بنای «تاریخ آینده» را فراهم ساخته‌ایم. وانگهی،

این پروسه آموزشی واجد امتیاز و حسن بسیار مهمی است و آن اینکه دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان تاریخ فراخواهند گرفت که تاریخ صرفاً ضبط و ثبت حوادث و وقایع رخ داده در ظرف زمانی موسوم به گذشته نیست؛ بلکه معاصر بودن یا هم‌عصری (contemporaneity)، «حال‌گرایی» یا حضور در حال (presentism) و ربط و پیوند آنها با مفهوم «آینده» (future) و سیطره یا تسلط و اشعار و اشراف بر وقایع (events)، رویدادها (incidents)، حوادث (accidents)، اتفاقات (happenings)، رخدادها (occurrences)، و دیگر امور و فاکت‌ها (facts)ی که در بستر زمانی «حال» رخ می‌دهند و آنگاه در بستر زمانی موسوم به «آینده» تداوم و استمرار پیدا می‌کنند، نیز جملگی تاریخ به حساب می‌آیند و تاریخ را تشکیل می‌دهند.<sup>۱</sup>

نکته‌ای که کارورزان، مربیان و دست‌اندرکاران تدریس و آموزش تاریخ باید همواره آن را در مدنظر داشته باشند و در فعالیتها و کاربستهای خود لحاظ نمایند این است که ذهن نوجوانان و جوانان پس از مدتی کارکردن خسته می‌شود و این امر به تدریج موجب عدم رغبت و کسالت در آنان می‌گردد و در صورت اصرار شدید و مداوم بر کار و تمرین از سوی مربیان، ممکن است نتیجه معکوس به دست آید و مخاطبان یعنی دانش‌آموزان و دانشجویان اساساً از هرگونه تاریخ و مطالعات تاریخی منزجر گردند. چاره این امر تا حدودی آسان است و راههای چندی برای اجتناب از بروز چنین وضعیتی وجود دارد. از جمله اینکه برنامه‌های آموزشی به هیچ‌وجه نباید فشرده، حجیم و طاققت‌فرسا باشد. شیوه و نوع تدریس نیز نباید برمبنای اصول و راهکارهای سنتی و خشک و متصلب باشد؛ بلکه باید از ابزارها و روشهای انعطاف‌پذیر و نوین برای انتقال مفاهیم استفاده نمود. یکی از کارآمدترین و مؤثرترین شیوه‌های آموزش مفاهیم تاریخی، که در عین حال

۱. علاقه‌مندان می‌توانند جهت آشنایی بیشتر با این سه نوع تلقی از تاریخ، یعنی اول) تلقی از تاریخ به منزله «گذشته» یا وقایع و حوادث رخ داده در گذشته؛ دوم) تلقی از تاریخ به منزله «حال»، «معاصر بودن» و «حال‌گرایی»؛ سوم) تلقی از تاریخ به منزله «آینده» یا نگرش به آینده به منزله بستری برای تداوم و استمرار تاریخ که غالباً به «آینده‌گرایی» یا «فوتوریسم تاریخی» موسوم است، به منابع زیر مراجعه نمایند:  
- آر.اف. اتکینسون، «فلسفه تاریخ: نگاهی به دیدگاههای رایج در فلسفه معاصر تاریخ»؛  
- مایکل استنفورد، «مدخلی بر فلسفه تاریخ: گذشته، حال، آینده»؛  
- جان لوئیس گدیس، «تأملی در تاریخ معاصر». هر سه مقاله در:  
- حسینعلی نوذری (ترجمه و تدوین)، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخنگاری (تهران: طرح نو، ۱۳۷۹). و مقاله:

- حسینعلی نوذری، «تاریخ آینده است»، مجله گزارش گفت‌وگو، س ۲، ش ۷، آذر و دی ۱۳۸۲، صص ۶-۱۵.



قدیمی‌ترین شیوه نیز محسوب می‌شود، نگرش به تاریخ به مثابه داستان یا روایت و تلقی از آن به منزله حکایت و سرگذشت ملل و نحل و اقوام و جوامع است. این تلقی از تاریخ صرفاً برای شروع کار و به منظور علاقه‌مند ساختن مخاطب به مطالعه آثار تاریخی مفید است و نباید آن را به عنوان یک هدف اصلی و دراز مدت در نظر گرفت؛ بلکه باید به مثابه نوعی گذار و فرایند انتقال دانست. این نوع تلقی از تاریخ صرفاً باید به منظور ایجاد ذوق و شوق و علاقه‌مندی و انگیزه در مخاطب مدنظر باشد. پس از ایجاد شوق و شور مطالعاتی در مخاطبان و پیدایی انگیزه‌ها و اهداف والاتر، آنان رأساً امر مطالعه، تحقیق و پژوهش در عرصه تاریخ را در سطوحی گسترده‌تر پی خواهند گرفت و به سرمنزل مقصود خواهند رسید. این فرایندی است که در بسیاری از محافل علمی و آکادمیک معتبر جهان، به ویژه از سطوح دبستان، مدارس راهنمایی، دبیرستان تا دانشگاهها، به طور جدی پی گرفته شده و نتایج بسیار مطلوب و پرباری در برداشته است.

البته به موقع خود باید به مخاطبان جوان یادآور شد که معنای تاریخ صرفاً محدود به وقایع و حوادث گذشته (یا حال و آینده) نیست و مطالعات و پژوهشهای تاریخی نیز صرفاً به نقل و روایت حوادث و وقایع محدود و منحصر نمی‌شود. تاریخ، علاوه بر آنکه پیکره‌ای است متشکل از فاکتها، وقایع و شواهد به جای مانده از گذشته، واجد معنا یا پیکره دیگری نیز می‌باشد و آن ارزیابی، تجزیه و تحلیل و شرح و تفسیر وقایع و حوادث رخ داده در بسترهای زمانی - مکانی است. این مقوله‌ای است که مورخان، تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان تاریخ و، مهم‌تر از همه، فلاسفه تاریخ در دو راستا به بحث و بررسی درباره آن پرداخته‌اند: نخست، درباره علل وقوع حوادث تاریخی یا همان «چرایی و چگونگی» وقوع حوادث تاریخی و بررسی روند تکوین و شکل‌گیری آنها؛ دوم، در مورد ماهیت و سرشت حوادث تاریخی یا همان «چیستی» آنها. مطالعات و تحقیقات فراوانی در این دو حوزه صورت گرفته است و آثار معتبر و مهمی چاپ و منتشر شده‌اند و دامنه تحقیق و تتبع در این دو حوزه معنایی روزبه‌روز و به گونه‌ای فزاینده در حال بسط و گسترش است.<sup>۲</sup>

۲. برای آشنایی با معانی دوگانه از تاریخ، که در جای خود به دو نوع فلسفه تاریخ یعنی فلسفه جوهری یا نظری تاریخ و فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ انجامید، یعنی تاریخ به معنای وقایع و حوادث و آنچه که عملاً اتفاق افتاده است (تاریخ ۱) و تاریخ به معنای دیدگاهها و شرح و تفسیرهای ارائه شده درباره وقایع و حوادث مذکور (تاریخ ۲) - یا «تاریخ به مثابه واقعه» و «تاریخ به مثابه تفسیر» - رک. مقالات انکبسون، و استنفورد در نوذری، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخنگاری.

#### ۴. سازوکارهای آموزش و انتقال مفاهیم و مضامین تاریخی به مخاطبان

به هر حال، در راستای تلقی نخست از تاریخ - که در مراحل آغازین آموزش تاریخ و انتقال مفاهیم و مضامین آن به مخاطبان جوان به ویژه در مراکز آموزشی از دیرباز تاکنون به منزله روش و رویکردی سنتی و کلاسیک مرسوم و متداول بوده است - و به منظور اجرای هرچه صحیح‌تر و دقیق‌تر آن و پیاده کردن عملی راهکارهای آن باید به چند نکته توجه داشت:

#### الف. ثبت تاریخ یعنی ثبت گذشته\*

کارورزان، مربیان، دبیران و استادان تاریخ و، در یک کلام، مورخان باید قبل از هر چیز به این موضوع عنایت داشته باشند و آن را به مخاطبان خود انتقال دهند که ثبت تاریخ به معنای عام و متداول کلمه در واقع چیزی نیست جز ثبت وقایع و حوادث گذشته؛ این فعالیت (ثبت تاریخ) خود یکی از اصلی‌ترین بخشهای کاریست تاریخ به شمار می‌رود. وانگهی، مهم‌تر از همه اینکه تاریخ اساساً ثبت و ضبط نوشتاری (مکتوب) وقایع و حوادث گذشته است. البته این مضمون به معنای نفی وجود مقوله‌ای به نام تاریخ شفاهی یا ثبت و ضبط گفتاری (منطوق) و کلامی گذشته نیست؛ همان چیزی که از آن به تاریخ اقوالی، تاریخ افواهی، تاریخ سینه‌به‌سینه و، در یک کلام، «تاریخ شفاهی» یاد می‌شود. لیکن باید توجه داشت که حتی تاریخ شفاهی نیز - که هم‌اکنون تکنیکها و روشهای ضبط و ثبت وقایع گذشته بسیار پیشرفته‌تر، پیچیده‌تر و غنی‌تر شده است و از ابزارهای فنی و دستگاههای دقیقی چون کاست، ویدئو و نظایر آن برای ثبت و ضبط خاطرات، دیده‌ها، شنیده‌ها و گفته‌های افراد استفاده می‌شود - در نهایت باید به صورت مکتوب و نوشتاری درآید و در شکل مقالات، کتب، نشریات و... چاپ و انتشار یابد. در همین مورد اولین نکته‌ای که باید به مخاطب تاریخ انتقال دهیم بیان این اصل است که ثبت گذشته و ثبت تاریخ بخش اصلی و زیربنایی کاریست تاریخ به حساب می‌آید. همانطور که پیشتر به اجمال اشاره کردیم، در چند دهه اخیر ثبت تاریخ در اشکال و شیوه‌های متنوعی صورت گرفته است، از جمله بر روی نوارهای صوتی (audio) و تصویری (visual) یا ویدیویی. در کنار انتقال این معنا از تاریخ، مخاطبان با مفهوم «ماقبل تاریخ»

\* recording history is record of the past.

(prehistory) نیز آشنایی وافی پیدا خواهند نمود. برای مثال، می‌توان برای کودکان و نوجوانان توضیح داد که دنیای مورد علاقه آنان، یعنی دنیای دایناسورها و حیوانات عظیم‌الجثه و جانوران غول پیکر، متعلق به زمانها یا ادواری است که به «دوران پیش از تاریخ» یا «دوران ماقبل تاریخ» موسوم است؛ زیرا حوادث و رویدادهایی که در ظرف زمانی مذکور به وقوع پیوسته‌اند درجایی و توسط کسی یا چیزی ثبت و ضبط نشده‌اند؛ بنابراین دوران مذکور را تاریخ ثبت نشده یا تاریخ غیرمضبوط (unrecorded history) می‌نامند.

### ب. تاریخ: ثبت مکتوب مستمر گذشته\*

دومین نکته در ادامه فرایند آموزشی فوق این است که به مخاطبان باید آموزش داده شود که ثبت و ضبط وقایع و حوادث گذشته، گرچه در بادی امر به کمک زبان گفتاری و در شکل داستانسرایبی و نقل اقوال و بیان خاطرات و انتقال سینه‌به‌سینه مفاهیم و مضامین و یادمانده‌ها صورت می‌گرفت، در نهایت صرفاً به کمک زبان نوشتاری ممکن و میسر گردید. به همین جهت، شاهد اختراع و پیدایش زبانهای نوشتاری و مکتوب یا به عبارت بهتر اختراع و پیدایش خط هستیم. وانگهی، صرف نقل زبانی و گفتاری داستانها و بیان شفاهی حوادث و وقایعی که بر سر یک قوم یا ملت آمده است به تنهایی، بدون آنکه به گونه‌ای یا در شکلی معین و مشخص درجایی و توسط کس یا کسانی ثبت شود، قادر به حفظ هویت آن قوم یا ملت نخواهد بود.

### ج. روایت و تفسیر

سومین نکته در فرایند آموزش تاریخ و انتقال دقیق مفاهیم، مضامین، معانی و مقولات تاریخی توجه دادن مخاطبان به جایگاه و ارزش و اهمیت روایت (narration) و تفسیر (interpretation) وقایع و حوادث و رخدادهای گذشته است. ابتدا باید به نقل و روایت حوادث و رویدادها پرداخت؛ سپس با استفاده از اطلاعات، داده‌ها، یافته‌ها، مدارک، اسناد و شواهد به بررسی، تحلیل، تبیین، توصیف، تشریح، تعریف و در نهایت تفسیر آنها اقدام نمود. جرج واشینگتن (اولین رئیس‌جمهور ایالات متحده ۹۷-۱۷۸۹) در خطابه‌خداحافظی خود یعنی در نطقی که در پایان دوره ریاست جمهوری خود ایراد نمود، اظهار داشت: «در بررسی و بازبینی وقایع دوران ریاست جمهوری خود، گرچه

\* history: permanent written record of the past.

نمی‌دانم چه خطاهایی عمداً صورت گرفته‌اند، با وجود این، بابت قصور خود در اندیشیدن راجع به محتمل دانستن اینکه ممکن است مرتکب خطاهای زیادی شده باشم، بسیار حساس هستم.» این تفکر نمونه بسیار خوبی است یادآور این نکته که تاریخ علاوه بر اینکه پیکره‌ای است متشکل از فاکتها، رویدادها و شواهد به جای مانده از گذشته، تفسیر گذشته نیز است. این همان معنایی است که بسیاری از فلاسفه تاریخ ضمن بحثهای پردامنه و مفصل به آن پرداخته‌اند و ما نیز پیشتر اشارتی به آن داشته‌ایم.

#### ۵. شواهد (Evidence)

چهارمین نکته‌ای که کارورزان تاریخ باید به مخاطبان خود، به ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان رشته تاریخ، انتقال دهند این معناست که تمام تاریخهای خوب برپایه شواهد نوشته شده‌اند. تمام آثار، کتابها و منابع معتبر و موثق تاریخی برپایه شواهد (یعنی اسناد، مدارک و قطعیات و مسلمات) به رشته تحریر درآمده‌اند نه برپایه حدسیات، فرضیات، گمانه‌ها، پندار، توهم، رؤیا، خواب و خیال، آرزوها، آرمانها و ایده‌آلهای دست نیافتنی و غیرواقعی. بدین ترتیب، آثار واقعی و حقیقی و صحیح تاریخی از آثار تحریف شده، دروغین، تبلیغاتی و نادرست و کذب متمایز می‌گردند. مخاطب با پی بردن به اهمیت شواهد در نگارش و تدوین آثار حقیقی و معتبر تاریخی، آن را از جهتگیریها، تعصبات، اغراض، تبلیغات، کلیشه‌سازیها، قالبهای از پیش طراحی و تدوین شده، آیین و مراسم (دکترین) و عقیده و افکار (ایدئولوژی) متمایز می‌سازد. در این راستا مخاطب نیاز به آن دارد که، مثلاً، بداند آیا بسیاری از داستانها و مطالبی که در خصوص تاریخ معاصر ایران، انقلاب مشروطیت، جنگ جهانی اول، روی کار آمدن سلسله پهلوی، جنگ جهانی دوم، تحولات سیاسی - اجتماعی از شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ و ربع قرن بعد از انقلاب و همینطور دیگر مسائل و رخدادهای تاریخی گفته می‌شوند مبتنی بر شواهد مسلم و حقیقی و دست اول هستند یا خیر.

#### ۵. داستان و داستانسرایی: سنگ بنای اولیه تاریخ

از جمله دیگر کارویژه‌ها و رسالتهای مهم دبیران و استادان تاریخ تبیین و تشریح دقیق معنای «تاریخ» است؛ به عبارت دیگر، شکافتن و بازکردن کالبد مفهوم تاریخ و تجزیه آن به اجزا و عناصر سازنده آن. در این مورد، کارورزان تاریخ ابتدا باید تاریخ را، همان‌گونه

که پیشتر ذکر شد، به منزله داستان (story) معرفی نمایند، منتهی داستانی که به گونه‌ای دقیق، مناسب و مدون نقل و سروده شده است؛ داستانی که سراینندگان، نقلان و گویندگان یا داستان‌سرایان آن همانا انسانهایی هستند که یا خود از نزدیک در حوادث و وقایع داستان مذکور نقش داشته و حضور مستقیم یا غیرمستقیم داشته و یا شاهد و ناظر آن وقایع و حوادث بوده‌اند؛ و یا پدران، آباء و اجداد و نیاکانشان قهرمانان آن داستانها بوده‌اند. از طریق داستانسرایي و نقل و روایت حوادث و سرگذشتها، مخاطبان می‌توانند به نکته‌ای بسیار مهم و حساس پی‌برند و آن اینکه درنوشتن یا نگارش داستانهایی که تاریخ را می‌سازند چه عناصر و اجزا و الگوهایی دخیل هستند.

برای زرفا بخشیدن به دریافتهای مخاطبان خود (فراموش نکنیم که در سراسر مقاله حاضر منظور نگارنده از مخاطبان به طور اخص نوجوانان و جوانان هستند) باید به یک رشته اقداماتِ توأمانِ نظری - عملی به شرح زیر پرداخت:

#### الف. نیازمندیها (آنچه که برای شروع کار به آنها نیاز داریم)

- گردآوری نوجوانان و جوانان و تشکیل یک جمع یا گروه متشکل از افراد علاقه‌مند به کار گروهی و جمعی. این جمع می‌تواند متشکل از نوجوانان و فرزندان دوستان و آشنایان و هم‌منظور هم‌کلاسها و گروههای هم‌رده سنی باشد؛

- در نظر گرفتن یک داستان ساده، حماسی، ملی، یا حتی افسانه و نظایر آن؛

- تهیه منابع و مآخذ معتبر و فراهم ساختن لوازم و وسایل ضروری و مورد نیاز.

#### ب. کارها و اقداماتی که باید انجام دهیم

- نقل داستانی درباره شخص یا اشخاص یا موضوعهای مهم و یا حتی غیرمهم تاریخی‌ای که می‌شناسیم: دانش‌آموزان، و افراد علاقه‌مند، اعضای خانواده، دوستان و آشنایان را دورهم جمع نمایید و یک جلسه یا نشست داستانی یا داستانسرایي ترتیب دهید. برای این منظور، نخستین جلسه را به آشنایی اعضای جلسه با یکدیگر اختصاص دهید، و به بحث و بررسی درباره اینکه جلسه هر چند وقت یکبار و در کجا و چگونه و چه ساعتی، چه روزی و ... برگزار گردد بپردازید؛ و دستور جلسه نشست بعدی را در نشست جاری تعیین کنید و مشخص سازید که مثلاً در جلسه بعدی راجع به فلان شخص یا فلان موضوع صحبت خواهد شد. این امر به دیگران این امکان را می‌دهد تا در فرصت

مقرر اطلاعات و دانسته‌های خود راجع به آن موضوع یا آن شخص را افزایش دهند. حال فرض کنید در جلسه دوم همه آماده هستند و می‌دانند که موضوع جلسه امروز چیست و قرار است راجع به چه کسی یا چه چیزی صحبت شود. از یکی از اعضاء جلسه می‌خواهید که بحث را شروع کند و مثلاً برای ۳ الی ۵ دقیقه صحبت کند. این کار را به ترتیب از نفرات بعدی در جهت معین ادامه می‌دهید و از هر فرد می‌خواهید تا مطلب یا نکته‌ای به نفرات دیگران اضافه کند. پس از پایان گرفتن زمان مقرر باید موضوع را در دست خود گرفته به جمع‌بندی آن بپردازید.

— خواندن یک داستان عامیانه یا رمان تاریخی: پس از آنکه در بیرون از جلسه هریک از اعضا داستان تعیین شده را برای خود مطالعه کردند، در جریان نشست به بحث و صحبت درباره آن خواهند پرداخت؛ مثلاً اینکه داستان مزبور چگونه شروع می‌شود، چگونه خاتمه می‌یابد؛ شخصیت‌های داستان چه کسانی هستند؛ نوع رفتار، طرز تلقی، دیدگاهها و آراء و عقایدشان چیست؛ چگونه می‌اندیشند، چه احساسی دارند؛ روابط و مناسبات میان آنان چگونه است؛ و چه حوادث و وقایعی در طول داستان اتفاق می‌افتد. آنگاه از مخاطبان سؤال کنید که، برای مثال، چه تفاوت‌هایی بین این داستان تخیلی و داستانی که راجع به اشخاص واقعی نقل کردید وجود دارد؟

— خواندن یک داستان راجع به یک واقعه تاریخی: در اینجا می‌توانید به یک حادثه یا رخداد یا یک مقطع زمانی در تاریخ جهان اشاره نمایید؛ برای مثال، فروپاشی دیوار برلن یا سقوط و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یا قیام دهقانان در قرن نوزدهم در اروپا، یا نهضت رفورماسیون (اصلاح دینی) در قرن شانزدهم در کشورهای اروپای غربی، یا انقلاب مشروطیت ایران، اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران یا یک حادثه مهم روز که تیتراژ درشت روزنامه‌ها و نشریات خبری را به خود اختصاص داده است.

### ج. تبیین نتایج به دست آمده

— حال به اعضای جوان جلسه کمک کنید تا کلیه مطالب، نکات و موضوعاتی را که در جریان هر نشست شنیده‌اند، خوانده‌اند، بحث و گفت‌وگو کرده‌اند، به صورت مکتوب و نوشتاری درآورند.

در جلسات داستانی، به ویژه هنگامی که صحبت یا نقل داستان راجع به شخصیتی

است که شناخته شده و مشهور می‌باشد، باید به چند نکته مهم توجه داشت: در صورت وجود اختلاف عقیده راجع به موضوعی که اتفاق افتاده است، چگونه می‌توان «صدق» یا «حقیقت» ماجرا را مشخص ساخت؟ اگر قرار باشد ماجرای یک حادثه یا رخداد واقعی را برای روزنامه یا نشریه‌ای بنویسید، چه چیزی مهم‌ترین عامل یا انگیزه شما برای نگارش آن خواهد بود؟ چه علل و انگیزه‌های دیگری را در نظر خواهید گرفت؟ اطلاعات و دانسته‌های خود را از چه منابع و مراجعی به دست خواهید آورد؟ صحت و دقت این اطلاعات و داده‌ها را چگونه تعیین خواهید کرد؟

### ۶. تاریخ محلی و تاریخ فرهنگی: بسترهای بومی آموزش تاریخ

از دیگر برنامه‌هایی که می‌تواند برای نوجوانان و جوانان در سطوح مختلف جذاب و جالب توجه باشد، ترتیب دادن برنامه‌های اطلاع رسانی و اطلاع‌یابی از تاریخ شهر یا شهرستان، استان و یا کشوری است که در آن زندگی می‌کنند. در اینجا وظیفه دبیران و استادان تاریخ و دیگر مربیان و کارورزان مطالعات تاریخی این است که به کمک والدین یا اولیاء دانش‌آموزان دست به یک رشته اقدامات عملی در جهت افزایش آگاهیهای تاریخی فرزندانشان بزنند. در این زمینه یک رشته منابع و مآخذ می‌توانند مفید فایده واقع گردند. گرچه متأسفانه بسیاری از این موارد در جامعه ما و حتی در سطح پایتخت (تهران) نیز وجود ندارد و بیشتر شبیه رؤیا به نظر می‌رسد ولی در کشورهای پیشرفته این موارد جملگی جزو ابزارهای اولیه آموزش تاریخ و انتقال مفاهیم تاریخی به دانش‌آموزان به شمار می‌روند.

#### الف. نیازمندیها

دفترچه‌های راهنمای شهرها، کتابها و منابع مربوط به نقاط دیدنی و تاریخی شهرها و استانها و مراکز مختلف؛ کتب، مجلات، نشریات و بروشورهای معرفی و تبلیغاتی مختلف و متنوعی که از سوی مراکز مختلف نظیر سازمان ایرانگردی و جهانگردی، وزارت ارشاد، سازمان میراث فرهنگی، مراکز حفظ و مرمت آثار باستانی و دیگر نهادها و ارگانهای دولتی و خصوصی چاپ و منتشر می‌شوند می‌توانند راهنمای بسیار مفید و مؤثری در آشنا ساختن نوجوانان و جوانان با شهرشان یا... باشند.

## ب. اقدامات

- جست و جو در نشریات و روزنامه‌های محلی، استانی و... برای آگاهی از تاریخ ایام محلی و ملی، یافتن آدرس موزه‌ها و نمایشگاه‌های آثار هنری، وقایع و حوادث تاریخی، جشنها، اعیاد و مناسبت‌های محلی، منطقه‌ای، استانی و ملی. در این مورد اولیاء می‌توانند با مشارکت در یک واقعه یا رخداد ملی یا محلی همراه با نوجوانان (پدر و مادر می‌توانند فرزندان خود را به همراه ببرند، مربیان و معلمان نیز می‌توانند دانش‌آموزان و دانشجویان خود را همراه داشته باشند) از آنان بخواهند تا پس از پایان کار و بازگشت به منزل شرح ماجرا و مطالب یا دیده‌ها و شنیده‌های خود را بر روی کاغذ بنویسند. رفتن به موزه‌ها، اماکن تاریخی و مراکز باستانی و نظایر آن نیز می‌تواند کمک بسیار مؤثر و مستقیمی در آموزش تاریخ به جوانان و نوجوانان باشد؛ ولی متأسفانه در اکثر شهرها و استانهای کشورمان به رغم وجود بیشمار اماکن و آثار تاریخی، فاقد امکانات و برنامه‌ریزیهای مناسب و ضروری جهت بازدید دانش‌آموزان و دانشجویان از این قبیل مراکز و اماکن هستیم.

در پایان این بخش نیز می‌توانید چند پرسش برای مخاطبان جوان خود مطرح نمایید: جالب‌ترین و حیرت‌انگیزترین چیزی که راجع به شهرتان یادگرفته‌اید چیست؟ اگر قرار باشد که راهنمای یک گروه از جهانگردان یا ایرانگردان در راهنمای تور سیاحتی باشید که به شهر شما آمده‌اند و می‌خواهند از شهرتان بازدید به عمل آورند، چه چیزها و چه مناطق یا چه مراکزی را به آنان نشان خواهید داد؟ اگر خودتان به شهر دیگری سفر کنید از چه مراکز و مناطقی از آن بازدید به عمل خواهید آورد؟

## ج. نقش مکمل والدین

والدین (پدران و مادران) می‌توانند نقش و سهم مهمی در تکوین و گسترش دامنۀ اطلاعات و دانش تاریخی کودکان و فرزندان خود داشته باشند و از این بابت به اولیاء مدارس، دبیرستانها و دانشگاهها کمک بزرگی کنند. پدران و مادران می‌توانند با صبر و حوصله و اختصاص دادن بخشی از اوقات خود به فرزندانشان هم در افزایش فهم و درک تاریخی کودکان خود مفید واقع شوند و هم شوق و علاقه به معرفت تاریخی را در آنان افزایش دهند و از این طریق عشق به تاریخ را در آنان بیدار ساخته و زمینه‌ها و بسترهای مناسبی برای تربیت مورخان آینده فراهم سازند. در این خصوص والدین می‌توانند



کارها و اقدامات ظاهراً ساده ولی در عین حال مهمی انجام دهند:

– یافتن وقایع تاریخی که فرزندان (دانش آموز) آنها در حال یادگیری در مدرسه است (مثلاً هفته آینده راجع به انقلاب فرانسه، یا انقلاب روسیه، یا انقلاب مشروطه و نظایر آن خواهند خواند). علاوه بر این، شاید در هر شهر یا روستا و یا در شهرهای همجوار یک مکان تاریخی قرار گرفته باشد؛ یا ممکن است یک حادثه یا واقعه تاریخی، مثلاً در شهر یا روستایی ولو کوچک و نه چندان مهم، رخ داده باشد که به لحاظ اهمیت تاریخی، مهم و قابل اعتنا باشد. مسلماً با بیشمار مواردی از این دست سروکار خواهیم داشت و خوشبختانه از این لحاظ در میهن خود کمبود نداریم و به هر کجا که روی بیاوریم، با توجه به تاریخ چند هزار ساله این آب و خاک، یک یا چند مکان تاریخی یا محلی که در آن حادثه و رویداد کوچک یا بزرگی به وقوع پیوسته باشد، به وفور خواهیم دید. بنابراین، می‌توان براساس برنامه‌ریزیهای دقیق و هماهنگ با مراکز آموزشی اقدام به ایجاد تورهای دانش‌آموزی و دانشجویی نمود تا جوانان از نزدیک با نمونه‌ها و مثالهای تاریخی آشنا شوند.

– نقشه‌ها و کتابهای راهنمای مورد نیاز را می‌توان از استانداریها و ادارات ارشاد اسلامی، یا سازمانها و مراکز ایرانگردی و نظایر آن تهیه نمود تا در طول مسافرت دانش‌آموزان و دانشجویان مطالعه نمایند و بتوانند سؤالات خود را مطرح کنند یا پاسخ آنها را دریافت دارند.

– در طول بازدید از مراکز و اماکن تاریخی آنان را به بحث و گفت‌وگو درباره آنچه که می‌بینند و می‌شنوند تشویق کنید.

– از نوجوانان بخواهید تا درباره آنچه که دیده‌اند و راجع به سفر خود هرچقدر که می‌توانند مطلب بنویسند؛ مهم نیست که سطح کیفی و کمی آن چگونه باشد.

– آنان را تشویق کنید تا مطالب بیشتری راجع به اماکن و محلهایی که دیده‌اند بخوانند؛ همینطور درباره مردمانی که بخشی از تاریخ آن مکان بودند، و راجع به اسناد و مدارک تاریخی مربوط به آن اماکن نیز مطالعه و تحقیق نمایند.

– از مخاطبان سؤال شود که در مورد مکانها و مناطقی که بازدید کرده‌اند چه چیزی به نظر آنان «تاریخی» به شمار می‌رفت؟ چه چیزهایی به تاریخ آن اماکن مربوط می‌شد؟ حال پس از بازگشت به شهر (یا روستا) شان، آیا شهر یا روستای خود را به گونه‌ای دیگر و به شیوه‌ای دیگر می‌بینند، یا متوجه چیزی شدند که تا پیش از آن ندیده بودند؟

از این قبیل برنامه‌ها و فعالیتها و اقدامات، نمونه‌ها و موارد بیشمار و متعددی می‌توان ترتیب داد. این گامها در اجرای دقیق‌تر آموزش تاریخ و تسریع روند انتقال مفاهیم تاریخی بسیار مؤثرند. البته ارائه فهرستی از این قبیل برنامه‌ها برحسب موقعیت، توانمندیها و امکانات و تسهیلاتی که در هر شهر یا جامعه در اختیار دست‌اندرکاران و کارورزان تاریخ قرار دارد، فرق خواهد کرد.

## ۷. تاریخ به مثابه یک صورت‌بندی [فورم‌اسیون] زمانی - مکانی

### الف. گاهشماری: بستر آغازین آموزش و انتقال مفاهیم تاریخی

از نکات مهم دیگری که کارورزان و مربیان تاریخ باید در انتقال صحیح و دقیق آن به دانش‌آموزان و دانشجویان و سواس و دقت درخور توجهی به خرج دهند تلقی و برداشت از مفهوم «زمان» و ایده «تلقی از تاریخ به مثابه زمان» است. زمان ظرف یا بستر (context) یا عرصه‌ای است که حوادث و وقایع در آن رخ می‌دهند. جای آن نیست که وارد بحث تاریخیچه زمان و گاهشماری (chronology) [کرونولوژی] شویم؛ این مقال خود مستلزم حوصله، مجال و فرصت دیگری است و از موضوع این بحث خارج است. از آنجا که دانش‌آموزان باید به مطالعه عمیق و دقیق وقایع و حوادث تاریخی بپردازند تا بتوانند به درک و فهم صحیح آنها نایل آیند، لذا نیازمند آن هستند که دریافت صحیحی از توالی و پیامد و تسلسل (sequence) وقوع حوادث تاریخی در بستر زمان و مکان به دست آورند و درحقیقت زمان و مکان وقوع هر حادثه یا واقعه تاریخی را بشناسند و همینطور اسامی اشخاص و اماکن مرتبط با آن حادثه یا واقعه را نیز بدانند. نوجوانان و دانش‌آموزان در صورتی که بتوانند جای دقیق وقوع حوادث، رخدادها یا وقایع تاریخی را در بستر زمانی و مکانی آنها پیدا کنند، به عبارت بهتر بتوانند تشخیص دهند که فلان وقایع در چه زمانی رخ داده و در کجا به وقوع پیوسته‌اند، در آن صورت بهتر و دقیق‌تر می‌توانند مناسبات و رابطه‌های موجود میان آنها را بشناسند؛ برای مثال، ابتدا کدام واقعه یا حادثه رخ داد؟ پس از آن چه حادثه یا اتفاقاتی به وقوع پیوست؟ علت چه بود، معلول کدام بود؟

درک صحیح و دقیق توالی زمانی وقوع حوادث در شناخت صحیح آنها مفید و مؤثر خواهد بود. بدون مفهوم «نظم گاهشمارانه» یا «ترتیب و ترتب زمانی» (chronological order)، وقایع و حوادث همانند توده درهم و برهم عظیم و آشفته‌ای همچون کلاف

سردرگم به نظر می‌رسند و با این تفصیل به هیچ وجه نمی‌توانیم بفهمیم که در گذشته چه اتفاق افتاده است. این ترتیب زمانی و آشنایی با توالی وقوع حوادث در بستر زمان، همانطور که اشاره شد، برای درک روابط و مناسبات و پیوندهای میان حوادث مختلف ضروری است. برای مثال، اهمیت آن را می‌توان به وضوح در این واقعیت دید که دانش‌آموزان ما هنگام مطالعه انقلابهای جهان بدانند که انقلابهای آمریکا و فرانسه با هم ربط دارند، یا انقلاب اسلامی با انقلاب مشروطیت پیوند دارد و نظایر آن.

### ب. احساس حضور در زمان تاریخی: حس همدلی

همدلی (sympathy) در واقع عبارت است از توانایی قراردادن خود به جای شخص دیگر و در زمان دیگر، اینکه بتوانیم خود را در زمانی غیر از حال، به عنوان گشتاوری آنی و ناپایدار، و به جای شخصی دیگر قرار دهیم، به طوری که احساسات و حالات روحی وی را بیان کنیم. از آنجا که تاریخ بازسازی گذشته است، بنابراین برای آنکه بتوانیم گذشته را به گونه‌ای دقیق بازسازی کنیم باید بتوانیم خود را آنچنان در دل «گذشته»، یعنی در زمان گذشته (زمانی غیر از حال)، قرار دهیم که بتوانیم همدلانه معنا و مفهوم گذشته را احساس کنیم و به هیچ وجه در دل گذشته احساس غربت و بیگانگی نکنیم. به عبارت دیگر، باید در درون گذشته چنان حضور پیدا کنیم که گذشته را چونان حال حس کنیم و این یعنی حس همدلی با گذشته و با اشخاص و مردمان یا سوژه‌هایی که در گذشته به عنوان کارگزاران (agents) تاریخی و عوامل یا حاملان و عاملان حوادث و رخدادهای گذشته نقش ایفا کرده‌اند. با در نظر گرفتن موضوع فوق، باید تلاش کنیم تا معنای «درگذشته بودن» را با تمام وجود خود حس و لمس کنیم؛ زیرا این تنها راه صحیح و اصولی و دقیق برای بازسازی گذشته است. برای مثال، هرگاه برای دانش‌آموزان به ویژه در سطح مدارس ابتدایی از مسافرت‌های طولانی و خسته کننده زمانهای قدیم صحبت کنیم و برای آنان توضیح دهیم که مثلاً مسافرت به شهرها و مناطق مختلف چندین شبانه روز، یا چند هفته و یا چند سال طول می‌کشید و با چه خطرات و مصیبت‌هایی همراه بود؛ خطر حملات دزدان و راهزنان، خطر از دست رفتن جان و مال مسافران، خطر حمله حیوانات وحشی و درنده، خطر تشنگی و گرسنگی، خطر ابتلا به انواع بیماری، کسالت، خستگی و بسیاری مشکلات و دشواریهای دیگری که در طول این مسافرتها بر سر راه انسانها کمین کرده بودند؛ در آن صورت ممکن است با این اظهارنظر از سوی

دانش آموزان مواجه شویم که خوب چرا مردمان به جای این همه مشقت از هواپیما استفاده نمی‌کردند و از طریق پرواز راه خود را کوتاه نمی‌کردند. در صورتی که به آنان پاسخ دهید که در آن زمان هنوز هواپیما اختراع نشده بود، ممکن است سؤال کنند که چرا هواپیما اختراع نشده بود. آنان برای درک پاسخ این سؤال باید در جریان روند تکامل تاریخی صنعت و تکنولوژی قرار بگیرند. به عبارت دیگر، زمانی متوجه این نکته خواهند شد که چرا در ایام گذشته هواپیما وجود نداشت که با روند تکامل تکنولوژی و وضعیت تکنولوژی در ایام قدیم مثلاً صد یا دویست سال پیش آشنا شوند، و بدانند که در آن ایام مسافرت با پای پیاده، با اسب، قاطر، گاری، درشکه، دلیجان و نظایر آن صورت می‌گرفت؛ به همین سبب مدت مسافرت از شهری به شهر دیگر بسیار طولانی و خسته کننده و با خطرات و مشکلات پرشمار همراه بود. بنابراین، معنای همدلی و احساس حضور در زمان تاریخی ایجاب می‌کند که ما از طرح سؤالاتی نظیر آنچه که فوقاً به آنها اشاره شد، اجتناب ورزیم، و از تحمیل یا اعمال زمان حال به گذشته خودداری نماییم. استفاده از منابع و اسناد اصلی نظیر یادداشتها، سفرنامه‌ها، دفترچه‌های خاطرات، خطابه‌ها به ما کمک می‌کند تا از تحمیل حال برگزیده امتناع نماییم و این امکان را به ما می‌دهد تا وقایع و رخدادها را از دریچه چشم انسانهایی که در آن ایام می‌زیستند و در متن آن وقایع حضور داشتند ببینیم.

### ج. مفهوم مکان در تاریخ یا مکانمندی وقایع تاریخی: بسترهای عینی و مکانی وقوع حوادث

درباره این مضمون قبلاً به طور مفصل صحبت کردیم. در اینجا بحث ما ناظر به پیوند آن با مفهوم همدلی و احساس حضور در زمان تاریخی به معنای «به هم بافته شدن» و «در هم تنیدگی» است و اشاره دارد به مجموعه‌ای از اوضاع و احوال در مناطق مختلفی که دست به دست هم داده یک واقعه یا حادثه را قالب‌ریزی کردند. برای درک هرگونه دوران تاریخی یا هر نوع واقعه تاریخی، دانش‌آموزان و دانشجویان باید یاد بگیرند که چگونه سیاست (شیوه اداره امور و گرداندن یک جامعه)، جامعه‌شناسی (چه گروه‌هایی جامعه را شکل می‌دهند)، اقتصاد (نحوه فعالیت و کار مردم و چیزهایی که تولید می‌کنند)، دین، ادبیات، هنر، و فلسفه (در هر عصر چه چیزی واجد ارزش و مورد اعتقاد و باور مردم بود) را با هم ترکیب و ادغام کنند، و آنها را در یکدیگر تنیده به هم بیافند و از آنها یک بستر یا زمینه بیافرینند. زمانی که آنان سعی دارند، فی‌المثل، به درک و فهم جنگ

جهانی دوم نائل آیند، به کشف مجموعه پیچیده‌ای از وقایع دست می‌یابند و متوجه خواهند شد که این وقایع معنای خود را از دل بسترها و زمینه‌های خود می‌گیرند. به عبارت دیگر، این بسترها و زمینه‌های سازنده وقایع و حوادث است که به آنها معنا و مفهوم می‌بخشد.

### ۸ تاریخهای زنده: ضرورت بازنمایی وقایع گذشته و حضور در گشتاور حال

از دیگر وظایف و رسالت دبیران و استادان تاریخ آشنا ساختن دانش آموزان با مفهوم تاریخ زنده (living history) است. این مفهوم را نباید با مفهوم تاریخ معاصر خلط نمود. یکی از وظایف مربیان و معلمان تاریخ، همان‌طور که پیشتر اشاره شد، ترتیب دادن برنامه‌های گروهی، سفرها، گردشهای علمی تاریخی، بازدید از موزه‌ها و اماکن تاریخی است. اما متأسفانه، به هزار و یک دلیل، این کارها در جامعه ما محلی از اعراب ندارند و اساساً دانش آموزان و دانشجویان ما به هیچ‌وجه در طول تحصیل خود امکان داشتن چنین برنامه‌هایی را پیدا نمی‌کنند سهل است که حتی استادان دانشگاهی ما نیز، که مدتها صاحب کرسی تدریس فلان درس یا course (کُرس) خاص هستند، نیز چنین امکانی را پیدا نمی‌کنند؛ زیرا این برنامه‌ها از توان مادی، فیزیکی و معنوی یک فرد خارج است؛ برای تحقق یافتن این مهم باید برنامه‌ریزیهای دقیق و منظمی در مراکز، نهادها و ارگانهای عالی صورت بگیرد. کمکها و برنامه‌ریزیهای مالی و مادی، تهیه و تدارک امکانات و تسهیلات حمل و نقل مناسب و مطمئن جملگی باید با هماهنگیهای دقیق میان نهادها و ارگانهای اجرایی و مقامات مسئول و ذیربط صورت بگیرد.

۱۶۳

### الف. بازسازی و بازنمایی گذشته در حال: اهمیت و جایگاه موزه‌ها و اماکن تاریخی

یکی از رسالتهای مهم اندیشمندان و متفکران هر جامعه تلاش برای زنده نگهداشتن «تاریخ» آن جامعه است. در اینجا منظور از تاریخ مجموعه پیچیده‌ای است مرکب از تمدن، فرهنگ، زبان، ادبیات، سیاست، اقتصاد، آداب و سنن و بسیاری از دیگر اجزاء و ارکان سازنده هویت و شناسه یک قوم یا ملت یا جامعه. یکی از ساده‌ترین و در عین حال مؤثرترین راههای زنده نگهداشتن تاریخ یک قوم عبارت است از بازسازی و بازآفرینی وقایع، حوادث، جنگها، معاهدات صلح، دوستیها، و مناسبات تاریخی و نظایر آن. این امر می‌تواند از طریق تشویق و ترغیب دانش آموزان و دانشجویان به برپایی مراسم آیینی و جشنها و مناسبتهای تاریخی در مقاطع زمانی مختلف، به راه انداختن یادواره‌ها،

جشنواره‌ها، سخنرانیها، سمینار و مانند آنها، و یا اجرای تئاتر و نمایشهای تاریخی از روی حوادث و وقایع متعدد تاریخی و حتی ترغیب آنان به ساختن و اجرای فیلمهای کوتاه و نظایر آن صورت بگیرد.

علاوه بر این، می‌توان با حضور در مکانهای تاریخی در قالب گردشهای علمی - مثلاً رفتن به مناطق و استانهای مختلف کشور مانند خراسان، آذربایجان، لرستان، کردستان، خوزستان استانهای ساحلی جنوب و شمال کشور، سیستان و بلوچستان و یا بردن دانش‌آموزان و دانشجویان به شهرها و اماکن تاریخی مربوط به محل سکونت آنان، به تناسب و فراخور امکانات و تسهیلات و با توجه به موقعیتها و مقتضیات - به یادآوری و شرح و تحلیل حوادث و رخدادهایی پرداخت که در مقطعی از تاریخ این مناطق به وقوع پیوسته‌اند. علاوه بر این، در قالبها و اشکال مختلف بازنمایی نظیر نقاشی، نقالی و داستانسرایی و تئاتر یا حتی فیلم و نظایر آن می‌توان به کمک دانش‌آموزان و دانشجویان مستعد و علاقه‌مند به بازسازی و بازآفرینی برخی از وقایع تاریخی رخ داده در آن مناطق اقدام نمود. این قبیل اقدامات نه تنها موجب بازآفرینی و بازسازی گذشته و، در نتیجه، موجب زنده نگهداشتن تاریخ می‌گردد، بلکه به ماندگاری تاریخ در اذهان کمک مؤثری خواهد کرد، به طوری که پس از آن، دانش‌آموزان به سختی ممکن است آن واقعه تاریخی را فراموش نمایند.

در این میان موزه‌های تاریخ زنده مناسب‌ترین محلها برای آشنایی دانش‌آموزان با پدیده‌های تاریخی به شمار می‌روند. در این مکانها آنان می‌توانند با افرادی واقعی که سرگرم کارهای مختلف و متنوعی چون درودگری، آهنگری، نعلبندی، مسگری، رویگری و سفیدگری، چاروق دوزی، پینه‌دوزی، پالان‌دوزی، کفشگری و نظایر آن هستند، آشنا شوند. در اینجا دانش‌آموزان از نزدیک و عیناً می‌بینند که ابزارها و لوازم مختلف حیات فردی و اجتماعی، که در گذشته کاربرد و رونق داشتند، چگونه ساخته می‌شوند؛ و انسانها در ایام گذشته چگونه با مواد و مصالح کار می‌کردند. اینها ممکن است، در نگاه نخست، مناسب و ربط چندانی با تاریخ نداشته باشند؛ ولی هرگاه عرصه تاریخ علمی و آکادمیک را بسط و گسترش دهیم خواهیم دید که از جمله گسترده‌ترین و دقیق‌ترین رشته‌هایی که طی چند دهه اخیر در حوزه مطالعات تاریخی جا باز کرده‌اند، «تاریخ فرهنگی» (cultural history)، «تاریخ اجتماعی» (social history)، تاریخی محلی یا بومی (local history) و تاریخ خُرد (micro history) هستند که در بسیاری از

کشورهای غربی به صورت رشته‌های دانشگاهی مستقل درآمده‌اند و دانشجو می‌پذیرند. موضوع مطالعه (subject matter) در این رشته‌ها به ویژه در دو رشته نخست اساساً به زندگی فکری، فرهنگی، اجتماعی، نحوهٔ خوراک و پوشاک، شیوه‌های زیستی و معیشتی انسانها در ادوار مختلف، نوع مراودات و معاشرت فردی و اجتماعی انسانها، مراسم ازدواج، نامزدی، جشنها، اعیاد، عزاداریها، سوگها و آیینهای مختلف، انواع و اقسام پیشه‌ها و مشاغل افراد در حوزه‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و بیشمار موارد دیگری برمی‌گردد که تا پیش از این اساساً در حوزهٔ تاریخ و مطالعات تاریخی جایی نداشتند؛ اما از سالهای دههٔ ۱۹۶۰ میلادی به بعد موضوعات و موارد فوق به عنوان مسائل عمده و تعیین‌کننده‌ای در حوزهٔ تاریخ فرهنگی و تاریخ اجتماعی جوامع، ملل و اقوام مختلف شناخته شده‌اند. محققان و پژوهشگران نیز مطالعات گسترده و وسیعی را در تک‌تک موضوعات فوق صورت داده‌اند. این مطالعات هم‌اکنون نیز همچنان با شدت و جدیت فراوان از سوی دانشجویان و پژوهشگران و علاقه‌مند تاریخ پی گرفته می‌شود.

#### ب. اقدامات

کارها و اقداماتی که در جریان بازدید از این قبیل مراکز می‌توانید انجام دهید بسیار متنوع و گسترده است. اول) انگیزش انتظارات و دغدغه‌های مخاطبان: توجه به این موضوع که دانش‌آموزان و دانشجویان و مخاطبان، به طور عام، از مشاهدات و مسموعات خود، چیزهایی که می‌بینند و می‌شنوند، چه دریافته‌ها و برداشتهایی دارند، چه انتظاراتی داشتند و چه انتظاراتی دارند. در جست‌وجوی یافتن چه چیزی هستند؟ در بعضی از شهرهای ایران می‌توان به این قبیل موزه‌های تاریخی برخورد که اشخاص در مقامها و مشاغل مختلف و در لباسها و تن‌پوشهای مربوط به ادوار مختلف تاریخی به طور زنده حضور دارند و یا سرگرم کار و فعالیت هستند.

**دوم) تأکید بر نقش خانواده‌ها:** در این زمینه خانواده‌ها نیز رأساً می‌توانند در برنامه‌های سیاحتی، زیارتی و دیدار از مراکز تاریخی شرکت کنند و مستقل از مدارس یا دبیرستانها فرزندان خود را در ایام تعطیلات نوروز یا تعطیلات تابستانی به شهرها و نقاط دیدنی ایران ببرند. از جمله بازدید از شهرها و استانهایی که همواره در طول تاریخ ایران از زمان مادها و پارتها تاکنون از مناطق حساس تاریخی به شمار رفته و در حیات سیاسی - اجتماعی این سرزمین نقشهای مهم و دوران‌سازی ایفا کرده‌اند مانند شهرهای مختلف

در استانهای مختلف چون اصفهان، فارس، آذربایجان، خوزستان، گیلان، مازندران، سیستان، بلوچستان، کردستان، لرستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری، تهران و دیگر مناطق ایران که جملگی واجد تاریخی بسیار کهن، دیرنده و دیرپای اند.

### ج. ضرورت پیگیری دغدغه‌های مخاطبان و همراهی با آنان

هنگام بازدید از موزه‌ها والدین یا اولیاء آموزشی می‌توانند از دانش آموزان سؤال کنند که اشیاء و چیزهای مورد علاقه و مورد توجه آنان کدام‌اند؟ چه چیزهایی در میان لوازم موجود در موزه بیش از سایر چیزها توجه آنان را به خود جلب کرده است، و چرا؟ به آنان کمک کنید تا هر کدام چیزی را در موزه انتخاب کرده به طراحی یا نقاشی از روی آن بپردازند و آن را در دفتر یادداشت خود ثبت کنند. به آنان یادآور شوید که نقاشی و طراحی از روی الگوها و مدلها یا از روی وقایع و حوادث (مثلاً شرح جنگها، رویاروییها، یا دیدار و ملاقات نمایندگان کشورهای خارجی با سران یک کشور، امضاء قراردادها و معاهدات و نظایر آن) تا پیش از اختراع دوربین عکاسی مهم‌ترین ابزار برای ثبت تاریخ به شمار می‌رفت.

۱۶۶

### د. ثبت مدرن تاریخ

در صورتی که دوربین عکاسی یا دوربین فیلمبرداری با خود همراه دارید، می‌توانید با استفاده از آنها ضمن برداشتن عکس یا فیلمبرداری از یک سوژه یا موضوع موجود در موزه به ثبت «مدرن» تاریخ اقدام نمایید و بدین ترتیب آلبومی از مجموعه عکسهایی که از آنچه دیده‌اید فراهم سازید. در اینجا با کنار هم قراردادن عکسها و با چیدن آنها در آلبومهایی مستقل و همینطور، در صورت امکان، نمایش اسلایدها و فیلمهای تهیه شده در طول گردش علمی، از دانش آموزان سؤال شود که، مثلاً، به نظر آنان چه نوع مناسبات فردی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و یا دیگر انواع آن در این عکسها به چشم می‌خورد؟ این عکسها یا فیلمها و امثال آن چه کمکی به درک و دریافت بهتر تاریخ و وقایع می‌کنند؟ آیا اساساً، چنانکه ادعا می‌شود، می‌توان عکاسی، فیلمبرداری و نظایر آن را شیوه‌ها و ابزارهای مدرن برای تاریخنگاری و ثبت و ضبط وقایع تاریخی دانست؟ اگر آری، چرا؟ وانگهی مزایای این نوع تاریخنگاری مدرن در



قیاس با نمونه‌های ماقبل مدرن و کلاسیک آن چیست؟

### ۵. نظرخواهی و طرح پرسش

در نهایت، هنگام بازگشت به مدرسه یا منزل می‌توانید از دانش‌آموزان سؤال کنید که زندگی کردن در آن مکان تاریخی در آن ایام یا در آن مقطع زمانی چگونه بود و آیا دوست دارند که به جای مردمان آن ایام می‌بودند. از آنان بخواهید تا این دو دوران یا وضعیت را با هم مقایسه کنند.

در این قبیل موارد، اولیاء مدارس به ویژه دبیران و آموزگاران تاریخ می‌توانند پاره‌ای سؤالات عام ولی اساسی برای دانش‌آموزان طرح و اقامه نمایند از جمله اینکه: در ادوار زمانی مختلفی که در موزه با آنها آشنا شدید ایام یا روزها چگونه سپری می‌شد؟ چه نوع لباسها و پوشاک جنبه همگانی داشت و مشترک بود و چه نوع پوشاک اختصاصی بود و تنها یک گروه یا طبقه خاصی از آن استفاده می‌کردند؟ مردمان در ایام گذشته معمولاً چه نوع خوراکی مصرف می‌کردند، و آیا به صورت جمعی و گروهی غذا می‌خوردند یا به صورت تکی و انفرادی؟ شما وقتی بزرگ شدید، با توجه به مطالعاتی که در تاریخ مشاغل و حرفه و پیشه‌های اقوام و مردمان گذشته صورت داده‌اید، دوست دارید چه شغلی انتخاب کنید؟ و سؤالاتی دیگر.

۱۶۷

### ۹. والدین و آموزش تاریخ در منزل

والدین نقش ترغیبی و تشویقی بسیار مؤثر و مهمی در ایجاد علاقه به تاریخ در فرزندان خود دارند. والدین از موقعیت و اوضاع روحی و معنوی مناسب‌تری در ارتباط با فرزندان خود بهره‌مندند تا مربیان و اولیای آموزشی آنان در مدارس، دبیرستانها و دانشگاهها. بنابراین از والدین انتظار می‌رود سهم بیشتری در این میان داشته باشند. کودکان و فرزندان نخستین پرسشهای تاریخی خود را قبل از هرکس دیگر ابتدا از ما، در مقام والدین، می‌پرسند؛ سؤالاتی از این دست که: «من از کجا آمده‌ام؟»، و «آیا همیشه اینجا بودم؟» این دو پرسش درحقیقت دربردارنده دو معنای عمده از «تاریخ» است: نخست این معنا که «تاریخ داستان یا سرگذشت انسانها و وقایع (حوادث، رخدادها) است» و معنای دوم اینکه «تاریخ عبارت است از ثبت و ضبط ایام و زمانهای گذشته».

اینک موقعیتی است که برخی از اسناد، مدارک و شواهد تاریخی را یافته و به

فرزندان خود نشان بدهیم و از آنان بخواهیم تا نظر خود را راجع به آنها بیان کنند. این اسناد و مدارک را می‌توان از میان ساده‌ترین چیزها برگزید: از جمله سندهای عقد و ازدواج، مقاله‌نامه‌ها، بنچاقها، عقدنامه‌ها و سندهای معاملات ملکی، مبیعه‌نامه‌ها، قولنامه‌ها و اسناد و مدارک مالی و اقتصادی، قبالة‌نامه‌ها و اسناد سجلی و احوال شخصی، شجره‌نامه‌های خانوادگی، وصیت‌نامه‌ها، مکاتبات شخصی و خانوادگی، نُسخ خطی و دیگر آثار و یادگارهای به جای مانده از نسلهای قدیمی‌تر تا برسیم به موارد جدیدتر مانند کارت پستالها، کارتهای تبریک اعیاد و جشنها، کارت تبریک تولدها و مراسم جشنهای نامزدی و عروسی، کارت دعوت به مراسم سالگردهای تاریخی مثلاً هشتادمین سالگرد انقلاب مشروطیت و نظایر آن، حتی کارتهای بیمه، بازرگانی، صورتحسابها، قبوض و رسیدهای مربوط به معاملات، فاکتور خرید و فروش، کارتهای قدیمی مربوط به مایه‌کوبی (واکسیناسیون) و مهم‌تر از همه عکسهای مختلف و بشمار موارد دیگر. همه اینها می‌توانند به عنوان منابع، مأخذ، مراجع، اسناد، مدارک و شواهد تاریخی محسوب گشته و داستان یا سرگذشت یک واقعه یا شخص یا موضوع را برای ما بازگو کنند. در این داستان‌گوییها، در مقام والدین، می‌توانیم برای فرزندان خود مطالب بیشتری بیان نماییم و به آنها کمک کنیم تا اطلاعات و دیده‌ها و شنیده‌های خود راجع به آن موضوع را به گونه‌ای دقیق‌تر و مناسب‌تر تدوین و تحریر نمایند. بدین ترتیب، داستانها و مطالبی که ما برای فرزندان یا دانش‌آموزان خود نقل می‌کنیم، درحقیقت، بخشی از میراث فکری و فرهنگی آنان به حساب آمده و به تثبیت و تقویت دوبخش زیربنایی و اصلی تاریخ، یعنی افسانه (تخیل) و واقعیت در قالب «یکی بود یکی نبود» (افسانه) و «روزی روزگاری» یا «مدتها پیش» (واقعیت) می‌پردازد.

فراموش نکنیم که دانش‌آموزان یا همان فرزندانمان در بستر تاریخ و در دل تاریخ یعنی در ظرف زمانی - مکانی موسوم به حال به دنیا می‌آیند که بلافاصله به گذشته تبدیل می‌شود. آنان هیچ خاطره، آگاهی، یادمان و اطلاعی از تاریخ و از بستر آن ندارند؛ هیچ اطلاعی از مکانی که در آن متولد شده‌اند و از زمانی که در آن لحظه معین پا به جهان گذاشته‌اند ندارند. آنان با ذهنی خالی و سفیدگام به تاریخ ما گذاشته‌اند ولی به محض آنکه خود را پیدا می‌کنند و به درک خود نائل می‌گردند و از خویشتن خویش و محیط پیرامونی خود آگاهی می‌یابند، خود را در میانه داستان می‌یابند که پیش از تولد آنان و پیش از آنکه آنان به یکی از شخصیتها یا قهرمانان آن تبدیل شوند شروع شده بود. اینک

آنان تلاش می‌کنند تا بفهمند شروع این داستان (یعنی تاریخ) از کجا و کی بوده است. از همه مهم‌تر اینکه فرزندان و دانش‌آموزان و دانشجویان ما می‌خواهند جایی در این بسترِ موسوم به تاریخ داشته باشند و سهم و نقشی برای خود دست و پا کنند و جایگاه و سرنوشت و تقدیر تاریخی خود را رقم بزنند!

بنابراین، ما در مقام والدین یا اولیاء آموزشی می‌توانیم فرزندان خود را آماده سازیم تا رسالت خطیر و حیاتی خود، یعنی یافتن جایگاه و مقام و موقع خود در تاریخ، را به نحو احسن انجام دهند. این آماده‌سازی، علاوه بر مواردی که گفته شد، بیش از همه در گرو آن است که به آنان کمک کنیم تا بدانند و یاد بگیرند که دنیایی که در آن متولد شده‌اند و به سر می‌برند چگونه پیدا شد، شکل گرفت، چه فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشت و، مهم‌تر از همه اینکه، چه چیزهایی در شکل‌گیری و پیدایش آن دخیل بوده‌اند. فرزندان ما بدون اطلاع درباره تاریخ خود، چیز چندان زیادی از آنچه که می‌شنوند و یا در پیرامون خود می‌بینند یاد نخواهند گرفت و اساساً بخش زیادی از شنیده‌ها و دیده‌های پیرامون خود را متوجه نمی‌شوند و به اصطلاح عامیانه قادر به درک و گرفتن آنها نخواهند بود.

۱۶۹

از سوی دیگر، والدین برای افزایش علاقه به تاریخ در فرزندان خود می‌توانند پایه‌های مرییان و معلمان تاریخ، ذهنیت و طرز تلقی یا نوع نگرش و نحوه برخورد فرزندان خود با تاریخ را تغییر دهند. والدین با اشاعه و ترویج این عقیده در بین فرزندان خود که «شناخت تاریخ و داشتن تفکر تاریخی و استفاده از تحلیل تاریخی در برخورد با مسائل و پدیده‌ها موجب تمایز شما از سایرین گشته و زندگیتان را تغییر خواهد داد و شما را چند سروگردن از دیگران متمایزتر، ممتازتر و برتر خواهد ساخت»، می‌توانند علاقه به تاریخ را در فرزندان خود تقویت نمایند. این آموزه در حقیقت به معنای آن است که نگاه و طرز تلقی ما به تاریخ نیز می‌تواند موجب تغییر و تحول در نگاه و طرز تلقی فرزندانمان گردد. به عبارت دیگر، علاقه‌مندی ما به تاریخ و شور و اشتیاقی که به مطالعات تاریخی، تفکر تاریخی و تحلیل‌های تاریخی از خود نشان خواهیم داد موجب افزایش علاقه‌مندی و شور و اشتیاق آنان به تاریخ خواهد شد؛ و برعکس، بی‌میلی و انزجار یا تفرق ما نسبت به تاریخ می‌تواند به فرزندان ما منتقل شود و سبب ایجاد روحیه بیزاری از تاریخ در آنان گردد.

بسیاری از والدین اظهار می‌دارند که عاشق تاریخ‌اند یا تاریخ را دوست دارند. این قبیل والدین می‌توانند فرزندان خود را در این علائق سهیم سازند و به آنان کمک کنند تا زمینه‌های عشق و علاقه به تاریخ را در خود پرورش و توسعه دهند. بسیاری از والدین نیز معتقدند که تاریخ موضوعی کسل‌کننده و ملال‌آور است؛ این قبیل والدین می‌توانند با خواندن کتابهای تاریخی سرگرم‌کننده و شیرین، داستانها و نمایشنامه‌ها و رمانهای تاریخی و نظایر آن، که با زبانی شیوا و ساده و نثری گیرا و سرگرم‌کننده و غالباً آمیخته با نکات آموزنده (و در بسیاری موارد همراه با افسانه، حکایت، تخیل، قصه، راست و دروغ، مستند و جعلی و...) به رشته تحریر درآمده‌اند، علاقه به کتابخوانی و مطالعه آثار تاریخی و روی آوردن به تاریخ را در خود بیدار سازند و به رشد و تقویت آن پردازند. بعد از این مرحله، شرح احوال یا زندگینامه‌ها و خاطرات سیاسی رجال و مشاهیر تاریخی و سیاسی می‌تواند به رفع بی‌زاری آنان از تاریخ کمک کند. مرحله بعد تشویق آنان به مطالعه تاریخ وقایع، حوادث، جنگها یا تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است. پس از آن مطالعه تاریخ تحلیلی، تاریخ عقاید و افکار؛ سرانجام در مراحل پیشرفته آن در سطوح دانشگاهی باید مطالعه تاریخهای نظری، نظامها و دستگاههای فکری - فلسفی و بالاخره تفسیر و تبیین تاریخ در قالب فلسفه تاریخ و روش‌شناسی تاریخ و شیوه‌ها و مکاتب تاریخنگاری در دستور کار قرار بگیرد.

## ۱۰. والدین و آموزش تاریخ در مراکز آموزشی

مربیان و آموزگاران و دست‌اندرکاران تدوین و برنامه‌ریزی سیاستهای آموزشی در سطوح استانی و کشوری جملگی بر ضرورت وجود برنامه درسی مفصل و گسترده تاریخ تأکید دارند. در سطوح دبستان، راهنمایی و دبیرستان، والدین و اولیاء آموزشی مراکز سه‌گانه فوق می‌توانند در راستای هدف مشترک یعنی آموزش کودکان و نوجوانان به مشارکت و همیاری پردازند. در زیر به پاره‌ای از اقدامات مفید در جهت تقویت و حمایت از آموزش و فراگیری تاریخ در مدارس و به منظور ایجاد مناسبات خلاق و سازنده با مسئولان آموزش دور از منزل اشاره می‌کنیم:

### الف. آشنا شدن با برنامه تاریخ در مدارس

در این باره از خود سؤال کنید که:

- در کلاس درس فرزندان در مدرسه چه چیزی می‌بینیم که حاکی از اهمیت و ارزش تاریخ در آنجا باشد؟ برای مثال، آیا نقشه، کره جغرافیایی، اطلس، و اسناد و منابع معتبر به چشم می‌خورند؟

- آیا مطالعه روزنامه‌ها و نشریات خبری و رسانه‌های مربوط به انتشار حوادث و وقایع روزمره بخشی از برنامه درسی (تاریخ) است؟ آیا از شرح حالها و زندگینامه‌ها، اساطیر، افسانه‌ها و حماسه‌ها برای مطالعه تاریخ استفاده می‌شود؟

- آیا فرزندان ما تکالیف منظم مربوط به تاریخ در منزل دارند، یا به طور متناوب و هر از گاه پروژه‌های تاریخ (شامل مباحثه و گفت‌وگو، مقاله‌نویسی، روزنامه یا نشریات دیواری تاریخی، اجرای نمایشنامه‌های تاریخی، مطالعات گروهی، بازدید از موزه‌ها و اماکن تاریخی...) دارند؟

- آیا سفرها و گردشهای علمی مربوط به تاریخ از سوی مدرسه یا دبیرستان فرزندان برگزار می‌گردد؟

- آیا فرزند ما به پرسیدن سؤال و یافتن پاسخ آن از منابع موثق و مطمئن تشویق می‌شود؟

- علاوه بر امتحانات طول سال، که براساس مطالب کتاب درسی از دانش آموزان به عمل می‌آید، دانش یا شناخت آنان درباره تاریخ چگونه سنجش می‌گردد؟  
- آیا فرزندان ما در مدارس ابتدایی و راهنمایی تاریخ یاد می‌گیرند، و آیا برنامه‌های درسی تاریخ به خوبی بایکدیگر هماهنگ هستند؟

- آیا در برنامه درسی تاریخ چیزی به نام تاریخ جهان و همینطور تاریخ ایران گنجانده شده است یا خیر؟

- آیا مدارس ما به معلمان و آموزگارانی که تاریخ خوانده باشند نیاز دارند؟ یا اینکه تدریس تاریخ را به معلمانی واگذار می‌کنند که سابقه و پیشینه کمی در تاریخ دارند، یا هیچ‌گونه ورود و اشرافی به آن ندارند؟

### ب. صحبت با معلمان و آموزگاران

- در نشستها و جلسات والدین و اولیاء و مربیان مدارس، که سالی چندبار در مدارس برگزار می‌گردد، شرکت کنید.

- در طی این جلسات به سخنان و نظرات معلمان گوش دهید و یادداشت برداری کنید.

– تمایل و انتظارتان را به اینکه می‌خواهید فرزندتان شناخت و دانش خوبی درباره تاریخ پیدا کند بدون رودریاستی با آموزگاران در میان بگذارید، و به آنها بگویید تلاشها و زحماتشان را ارزشمند می‌دانید؛ و از ایشان قدردانی کنید.

– متقابلاً از معلمان نیز پرسید که چه انتظاراتی از کلاس و از فرزندتان دارند.

– یک برنامه منظم ارتباط سالانه (در طول سال تحصیلی همچنین در مواقع اضطراری و لزوم)، خواه ارتباط تلفنی و خواه مکاتبه‌ای یا حضوری، ترتیب دهید (براساس توافق طرفین).

– در هنگام گفت‌وگو با معلمان راجع به آموزش فرزندتان روشن و واضح صحبت کنید و راجع به هر چیزی که نمی‌دانید از آنان سؤال کنید و نگرانیهای خود را بی‌پرده و صریح با آنان در میان بگذارید.

### ج. کمک به بهبود و پیشرفت آموزش تاریخ در مدرسه فرزندتان

– مشارکت و حضور داوطلبانه و فعالانه در کلاس تاریخ فرزندتان؛ برای مثال، ترتیب دادن برنامه دیدار با شهردار، فرماندار یا مورخان و تاریخدانان محلی و بازدید از اماکن تاریخی منطقه.

– اگر از برنامه درس تاریخ مدرسه فرزندتان ناراضی هستید، ابتدا با معلم تاریخ فرزندتان صحبت کنید بعد با مدیر مدرسه، بعد با بخش تدوین برنامه درسی تاریخ، بعد با بازرسان و مشاوران آموزش و پرورش؛ علاوه بر اینها، با سایر والدین نیز در همین خصوص سخن بگویید.

### ۱۱. تاریخ یک عادت است

با توجه به نکات و مطالب مشروح و دقیقی که تاکنون به آنها اشاره کردیم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اساساً پرداختن به تاریخ و روی آوردن به مطالعات تاریخی و سرو کار داشتن با تفکر تاریخی و استفاده از تحلیل تاریخی، به مثابه یک روش یا شیوه تبیین، اساساً نوعی عادت است که افراد می‌توانند با اتکاء به روشها و شیوه‌ها و تکنیکهایی که در این مقاله به آنها اشاره کردیم، این عادت را در خود ایجاد و تقویت کنند. این عادت را می‌توانیم با کمک روشهای فوق در فرزندان خود نیز ایجاد نماییم. علاوه بر این، می‌توانیم پاره‌ای از «عادات تاریخی» را که موجب اهمیت تاریخ می‌گردند و یا، به عبارت

بهتر، به تاریخ اهمیت و اعتبار می‌بخشند، بشناسیم و آنها را بسط و توسعه دهیم. عادات (habits) اعمالی هستند که ما براساس نوعی قاعده و مبنای منظم انجام می‌دهیم. ما با تبدیل عادات به صورت بخشی از زندگی روزمره خود، در واقع، به امری یا چیزی یا حالتی خو می‌گیریم و عادات مختلف را کسب می‌کنیم. رواج و اشاعه عادات خوب و مفید ارزش آن را دارد که برایش وقت و هزینه صرف کنیم؛ زیرا این قبیل عادات موجب افزایش و بهبود سطح کیفی و کمی زندگی روزمره ما خواهند شد. در زیر به پاره‌ای از عادت تاریخی که می‌تواند موجب رشد و تکامل تجربه زندگی انسانها گردد، اشاره می‌کنیم:

#### الف. اشاعه عادات تاریخی در میان والدین

پرداختن به تاریخ خانوادگی به طور مشترک با فرزندان، به ویژه دفترچه‌های خاطرات و یادداشتهای شخصی که از گذشتگان (پدران و مادران، پذیرزرها و مادرزرها) به ما به ارث رسیده است. با کمک بزرگ‌ترها و سالمندان خانواده و دیگر خویشان، اقوام و وابستگان به صحبت راجع به داستانها و سرگذشتهای خانوادگی بپردازید و کمک کنید تا این موارد در اذهان فرزندان نیز جا بیفتد.

#### ب. اشاعه عادت مشارکت در بین فرزندان

از طریق رأی دادن و کمک به ایجاد تغییر و تحول در مناطق مورد علاقه آنان به مشارکت در امور جامعه خود بپردازید. کودکان و فرزندان خود را تشویق و ترغیب کنید تا در انتخابات مدرسه و دبیرستان و دانشگاه شرکت کنند و رأی بدهند و خود را برای انتخابات نامزد کنند، و سعی کنند اطلاعات و دانش خود را راجع به تاریخ شهروندی یا تابعیت خود در آن جامعه یا کشور و ارزشها و رفتارهایی که مبنای این شهروندی و تابعیت به شمار می‌روند، افزایش دهند.

#### ج. اشاعه عادت مطالعه و کسب آگاهی تاریخی

مطالعه روزنامه‌ها، مجلات و نشریات خبری و تماشای برنامه‌های خبری تلویزیون (اخبار) و برنامه‌های مستند سیاسی و تاریخی راجع به کشورهای جهان و کشور خود سبب می‌شود که ما همواره در جریان اخبار مربوط به حوادث و وقایع جهان و اوضاع سیاسی - اجتماعی کشورها قرار بگیریم و قضاوت آگاهانه و صحیحی درباره آنها به عمل

آوریم. با فرزندان خود راجع به وقایع جاری سخن بگوییم و نظرات خود درباره وقایع را با آنان در میان بگذاریم و از نظرات و عقاید آنان جويا شویم؛ بعد به بحث و تحلیل و گفت‌وگوی متقابل بپردازیم. از این طریق به دیدگاهها و نقطه‌نظرات متفاوت و متنوعی خواهیم رسید.

#### د. اشاعه عادت به گفت‌وگو و بحث

تماشای برنامه‌های تلویزیونی راجع به موضوعات و عناوین مهم تاریخی به اتفاق اعضای خانواده، به ویژه فرزندان، و تشویق و ترغیب آنان به گفت‌وگو و بحث درباره برنامه مذکور؛ و تهیه کتابهایی راجع به موضوعات و عناوین یاد شده و فراگرفتن مطالب و چیزهای بیشتر از طریق مطالعه فردی یا گروهی آن کتابها. در این میان، به مقایسه نقاط اشتراک و نقاط افتراق کتابها و برنامه‌های تلویزیونی راجع به موضوع یا عنوان مورد نظر بپردازید و ببینید آیا آنها درباره موضوعات مهم و برجسته باهم اتفاق نظر دارند یا اختلاف؛ موارد اختلاف را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

#### ه. عادت مطالعه گروهی

به اتفاق فرزندان خود به مطالعه و خواندن مطالبی راجع به افراد و وقایعی که موجب تحول در دنیا شده‌اند، بپردازید و مطالب مذکور را به اتفاق هم مورد بحث قرار دهید.

#### و. انتقال آگاهیهای لازم در باره سوزدهای تاریخی به مخاطبان

به فرزندانمان پیاموزید که سازندگان تاریخ گذشته و حال افرادی هستند واقعی مانند خود آنان و اینکه آنان نیز به نوبه خود سازندگان تاریخ فردا خواهند بود. بنابراین، کسانی که به عنوان سازندگان تاریخ از آنان یاد می‌کنیم افرادی هستند که برای خود اعتقادات و افکاری دارند، سخت کار و تلاش می‌کنند، و شکست و پیروزی را در زندگی تجربه می‌کنند. در صورت امکان، والدین باید فرزندان خود را با رهبران و مقامات محلی نظیر نمایندگان مجالس، شوراها، شهرداران، استانداران، فرماندارها، مقامات سطح ملی نظیر وزراء، رؤسای جمهور یا نظایر آن آشنا سازند؛ همین‌طور از طریق عکس و زندگینامه و رسانه‌های گروهی آنان را با رهبران جهانی آشنا سازند.



### ز. عادت استفاده از لوازم و ابزارهای کمک آموزشی

تهیه کره جغرافیایی، نقشه‌ها و دائرةالمعارفهای متعدد و متنوع و استفاده مکرر و به موقع از آنها؛ مثلاً، هنگامی که ضمن خواندن یک کتاب یا دیدن یک فیلم سینمایی و نظایر آن صحبت از آفریقا یا آمریکای لاتین می‌شود، همزمان یا پس از پایان مطالعه یا پایان تماشای فیلم، محل جغرافیایی آفریقا یا آمریکای لاتین را بر روی نقشه زمین‌شناسی و بر روی کره جغرافیایی به فرزندتان نشان دهید.

ح. گردآوری مجموعه‌ای از سخنرانیهای شخصیت‌های معروف و برجسته تاریخی و همین‌طور نسخه‌هایی از اسناد مکتوب منتشر شده و خواندن آنها هر از گاه به اتفاق فرزندانتان.

### ۱۲. ملاحظات روان‌شناختی - تربیتی (پسیکولوژیک - پداگوژیک) در فرایند آموزش و انتقال مفاهیم و مطالب تاریخی

در اینجا باید به این نکته اشاره کنم که اشتغال خاطر ما بابت تاریخ و دغدغه و اشتیاقی که به مطالعات تاریخی و تفکر تاریخی و تاریخنگاری و رشته تاریخ به عنوان یک علم نشان می‌دهیم، در هر یک از اشکال و شیوه‌هایی که در طول این مقاله به آنها اشاره شد، عادت بسیار خوب، پسندیده، مفید و مناسبی است که می‌توانیم آن را به فرزندان خود منتقل نماییم. اما باید توجه داشت که پرداختن به تاریخ، به ویژه حوزه نظری و فکری، مشغله‌ای خسته کننده و کسالت آور خواهد بود خصوصاً برای مخاطبان جوان و نوجوان. بنابراین، در امر آموزش و تدریس تاریخ و انتقال موضوعات و مضامین تاریخی باید برای این نقیصه تدبیر و تمهیدی اندیشید و شرایطی به وجود آورد که دانش‌آموزان و دانشجویان نه تنها از بحث‌های مربوط به تاریخ خسته و مأیوس نشوند، بلکه ذوق و شوق بیشتری در آنان ایجاد گردد. یکی از ساده‌ترین و عملی‌ترین راهکارهایی که می‌توان در این راستا به خدمت گرفت این است که زمینه‌ها و ابزارهایی فراهم سازیم تا روند آموزش و انتقال مفاهیم با تفریح، شادی و سرگرمی همراه شود به طوری که نه تنها مخاطبان احساس کسالت و خستگی نکنند، بلکه از روند کار لذت ببرند؛ زیرا هدف ما این است که مخاطبان ما از هر نوع فعالیت و یا هرکاری چیزهای تازه‌ای یاد بگیرند؛ لیکن توانمندیهای ما و آنان فرق می‌کند؛ ما نمی‌توانیم از فرزندان و دانش‌آموزان خود انتظار داشته باشیم که با همان سرعت، دقت، کیفیت و کمیتی به

یادگیری و فراگیری مطالب پردازند که ما در جریان تکامل فکری و اندیشگی خود به آن سطح رسیده‌ایم. بنابراین، باید به گونه‌ای معقول و منطقی رفتار نموده و انتظار نداشته باشیم که یک شبه ره چند ساله طی شود. یادگیری و فراگیری فرایندی است که باید به طور تدریجی و آرام طی شود؛ لذا دانش‌آموزان و دانشجویان نیز به زمان نیاز دارند و تکامل روشمند تفکر آنان درباره تاریخ یا هر علم دیگر مستلزم طی مراحل و گامهای تکاملی متعددی است. تفاوت‌های موجود در تواناییها، مقتضیات زمان و عوامل دیگر شاید سبب سرخوردگی افراد در یادگیری شود؛ لیکن، با رعایت پاره‌ای نکات می‌توان ضمن احتراز و ممانعت از بروز چنین حالاتی، اوقات فراگیری و آموختن را شاد، سرگرم کننده، مفرّح و در عین حال زایا و خلاق ساخت. نکات مذکور را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

الف. هیچ ضرورت و الزامی به یادگیری، فراگرفتن یا دانستن تمام نکات و مطالب وجود ندارد. والدین و اولیای دانش‌آموزان و دانشجویان هیچگونه الزامی ندارند که تمام فاکتها و واقعیات را بدانند یا به طور جامع و کامل و دقیق تاریخ را فهم نمایند و به آن احاطه و اشعار داشته باشند تا از این طریق به فرزندان خود کمک کنند. تمایل و اشتیاق والدین به یادگیری پایه‌ای فرزندان - خواندن، پرسیدن سؤال، جستجو کردن، و مرتکب اشتباه شدن - مهم‌ترین هدیه‌ای است که آنان می‌توانند به فرزندان خود بدهند. دانش‌آموزان و دانشجویان با تلقی یا نگرش به اشتباهات خود به عنوان منابع اطلاعات برای اقدامات آتی، به تداوم روند آموزش و یادگیری امیدوار و دلگرم می‌شوند.

ب. از طریق گفت‌وگو و تعامل فکری می‌توانید لحظات دشوار را سپری کنید. مفتوح نگهداشتن باب مراد و ارتباط بین خود و فرزندانتان و تشویق و ترغیب به تداوم بحث و گفت‌وگو - مهم نیست که بچه‌ها تاچه اندازه با موضوع بیگانه‌اند - به آنان می‌فهماند که شما آنان را جدی می‌گیرید، به فکر آنها هستید و برای کارها و تلاشهایشان ارزش و اهمیت قائلید. و این امر به نوبه خود موجب تشویق و ترغیب هرچه بیشتر آنان می‌گردد. فراهم ساختن امکان گفت‌وگو با آنان تأثیرات ژرف و دیرپایی بر نحوه، چگونگی، سرعت، کیفیت و کمیت یادگیری آنان بر جای می‌گذارد.

ج. باید به این نکته توجه داشت که جوانان و نوجوانان واجد آراء و عقاید و افکار و علائق و دغدغه‌های خاص خود هستند. بنابراین، باید اجازه دهیم تا بر همین اساس فعالیتها و اقدامات موردنظر خود را انتخاب نمایند؛ با این کار، ما این امکان را برایشان

فراهم می‌سازیم که متوجه این نکته حساس و خطیر گردند که آراء و عقاید، افکار، علائق و دغدغه‌های آنان در جای خود حائز اهمیت و اعتبار و ارزشمند به شمار می‌آید. آنان در بسیاری از مواقع مایل‌اند آنچه را که می‌دانند به ما (والدین یا اولیاء و مربیان) یاد دهند. خود را در علائق و دغدغه‌های آنان سهیم و شریک بسازید و آنان را تشویق به مطالعه بیشتر نمایید.

د. حداکثر استفاده از فرصتهای روزمره برای پرداختن به تاریخ: دیدار با پدربزرگها و مادربزرگها و استفاده از تجربیات آنان، شنیدن حرفها و نظرات آنان، خواندن کتاب و نشریات، نقل داستانها، استفاده از ایام تعطیل، حضور در جریان برگزاری انتخابات، توجه به علائم و نمادهای ملی و تاریخی نظیر سرود ملی، پرچم، تصاویر موجود در روزنامه‌ها و مجلات، بازدید از موزه‌ها و دیگر فعالیتهایی از این دست. اگر دانش‌آموز برای مثال، از شما راجع به شخصیتی در یک تابلوی نقاشی سؤال کند، سعی کنید پاسخ صحیحی به وی بدهید.

ه. سطح فعالیتها و تناسب آن با سطح سنی دانش‌آموزان: کلیه فعالیتهایی که در این پژوهش به آنها اشاره کردیم به لحاظ کیفی و کمی و ماهوی به گونه‌ای است که در هر سطح سنی، از نوجوانان و دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و دبیرستانها گرفته تا جوانان دانشجوی دانشکده‌ها، قابل پیاده کردن است. فعالیتها و اقدامات نه آنقدر سخت و دشوارند که موجب یأس و دلزدگی و خستگی آنان گردد و نه آنقدر آسان و ساده‌اند که حس کنجکاری و علاقه‌مندی آنان را زایل سازد. چالشهایی که در این مورد به عمل می‌آید موجب احساس پیروزی و موفقیت در آنان است.

و. در نظر گرفتن یا تعیین یک هدف: زمانی که فعالیتی را انتخاب می‌کنید یا به کاری خطیر مبادرت می‌نمایید ممکن است تصویر دقیق و روشنی از هدف آن نداشته باشید و ندانید که سرانجام کار به کجا خواهد انجامید؟ ولی به خاطر داشته باشید که هدف از اقدام به فعالیتهای مطرح شده در پژوهش حاضر عبارت است از یادگیری چیزی راجع به تاریخ. بخش نخست این گفتار، مقدمه‌ای که در معرفی تک‌تک فعالیتها آوردیم، و سؤالات مطرح شده می‌تواند کمک مؤثری باشد. در هر مرحله، پس از اتمام فعالیت مربوط، با دانش‌آموزان درباره چیزهایی که فراگرفته‌اند بحث و گفت‌وگو کنید. پختن نان یک چیز است و دانستن اینکه نان واجد معنای تاریخی است مطلب دیگری است. تعیین هدف برای هر فعالیت و نیل به آن هدف یا محقق ساختن آن به دانش‌آموز و دانشجو

کمک می‌کند تا معنای لذت یک پروژه تکمیل شده را حس نماید. آنچه که در گفتار حاضر ارائه شد تصویری بود از یک پروژه مهم و اساسی در امر آموزش و انتقال مفاهیم تاریخ و تاریخنگاری به مخاطبان جوان و عام. این طرح در جای خود بخشها و مباحث نیمه‌تمامی دارد که مستلزم زمان و فرصت مقتضی است تا تکمیل شود. امید ما آن است که رنوس کلی این طرح مورد نقد و نظر خوانندگان و مخاطبان و دست‌اندرکاران این حوزه واقع آید و نیز امید است این حرکت آغاز راهی باشد که روندگان و باشندگان بیشماری را به خود فرا خواند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی